

سنجه کتاب (۹)

علی اکبر صفری^۱

چکیده

نگارنده در مورد هشت موضوع، یافته های خود را که از خلال نسخه های خطی به دست آورده، ارائه می کند. زندگی نامه های خودنوشت، از: شیخ محمد علی مظفری سبزواری (م. ۱۳۹۸ ش. ۰)، شیخ علی محمدی تاکندی (م. ۱۴۰۰ ش. ۰)، ملا محمد رضا کاشانی (م. ۱۳۱۴ ق. ۰) به نظم عربی ارائه شده است. در زمینه کتابشناسی، فهرست ۱۲۴ عنوان کتاب چاپ نشده شیخ هاشم تقدیری سبزواری (م. ۱۳۷۵ ش. ۰)، معرفی کتاب و سائل النجاة ملا محمد سلیمان گرجی اصفهانی (دوره صفویه)، معرفی دو کتاب از شیخ احمد دانش پژوه زنجانی (م. ۱۳۶۷ ش. ۰)، و فهرست خودنوشت آثار سید ابوالفضل حسینی تبریزی (م. ۱۳۵۹ ش. ۰) را می خوانیم. بعلاوه تضمین قصیده شینیة خاقانی از عاصی رشتی نویسنده پرکار قرن سیزدهم، در این گفتار آمده است. کتابشناسی ها در این مقاله با نسخه شناسی همراه شده و راهنمای خوبی برای اهل تحقیق است.

کلیدواژه ها

نسخه های خطی - نکته ها، زندگی نامه های خودنوشت، فهرست های خودنوشت، کتاب شناسی، نسخه شناسی، راهنمای پژوهش، مرآة امام حسین علیه السلام، قصیده شینیة خاقانی.

۱. پژوهشگر حوزوی در حوزه کتابشناسی و تراجم نگاری



سنجه (۹۶) اثری نویافته از عاصی رشتی با تضمین قصیده شینیّه خاقانی شروانی

اهل دانش و ادب «عاصی رشتی» را به کثرت تالیفات می‌شناسند و قلم زدن در موضوعاتی چون شعر و غزل و فقه و اصول و اخلاق و ریاضیات و تراجم و تفسیر و فلسفه و حکمت و... نزدیک به هزار جلد کتاب و رساله.

این گونه نگارش آثار فراوان، نمونه های فراوان نیز دارد که می‌بایست بر اساس نیازها، موضوع، زمان تالیف، رشد علوم... بررسی و بازشناسی کرد.

برای نمونه مرحوم آیت الله سید محمد حسینی شیرازی - از مراجع معظّم تقلید معاصر - که در شصت سال اشتغال به تحقیق و تالیف و نگارش بیش از هزار و پانصد کتاب و رساله و جزوه در موضوعات گوناگون نگاشت.^۱ نگارنده سطور بارها به محضر ایشان شرفیاب شده و شاهد بودم آنقدر نوشته بود که انگشتهای دستش از کار افتاده و بی حس شده بود، با سرانگشت شصت و سبّابه قلم را می‌گرفت و می‌نوشت، در سالهای پایان عمر نیز آن دو انگشت به طور کامل فلج شد و ایشان مطالب را می‌گفت و ضبط می‌کردند.

غواصی خراسانی یزدی^۲ - از شعرای صفویه - که به گفته سام میرزا صفوی (۹۸۳ق) هر روز پانصد بیت می‌گفت و بیشتر از آن نمی‌توانست بنویسد و نمی‌سرود.^۳ بیش از نود سال عمر کرد و پیش از چهل سالگی چنین سروده بود:

ز شعرم آنچه حالا در حساب است هزار و پانصد و پنجه کتاب است

وی کتابهای روضة الشهداء، قصص الانبیاء، تاریخ طبری، کلیله و دمنه، ذخیره خوارزمشاهی و... را به نظم کشیده است.

۱. در کتاب نایبه قرن بیستم در تالیف (کتابشناسی)، قم، موسسه رسول اعظم (ص) نام و تعداد ۱۰۷۲ جلد کتاب و رساله از آثار ایشان همراه با تعداد مجلدات، زبان، چاپ یا خطی بودن هر اثر معرفی شده است. تنها کتاب الفقه ایشان بیش از صد و پنجاه جلد، در بردارنده پنجاه هزار مسئله شرعی است.

۲. تذکره تحفه سامی، ص ۳۶۷

۳. علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در (الذریعه، ج ۹ ص ۴۸۸-۴۸۹) در وصف دیوان سیمی نیشابوری نوشته است: وی دو هزار بیت در یک روز می‌گفت و می‌نوشت. این بیت از اوست:

یک روز به مدح شه پاکیزه سرشت سیمی دوهزار بیت گفت و بنوشت

یا مرحوم استاد شیخ اسدالله داستانی بنیسی (۱۳۲۵-۱۳۸۳ش) که در زندگی نامه خودنوشت خود آورده است:

نبشتار بنیسی همچو گنج است شمارش پانصد و پنجاه و پنج است
از این آثار صد جلد برای کودکان و صد جلد برای نوجوانان و صد جلد در موضوع تفسیر
قرآن و صد جلد در موضوع احادیث و روایات؛ و پنجاه و پنج جلد نیز در موضوع سروده های
اوست.^۱

عاصی رشتی در جوانی برآن عهد بوده که هزار کتاب تالیف نماید و تا پایان زندگانی هم
برهمان عهد ماند که بود و هزار کتاب قلم زد. هر چند تاکنون نام بیش از صد و هشتاد و سه
کتاب به دست ما نرسیده و نسخه خطی حدود صد کتاب در کتابخانه ها موجود است.^۲
وی نخستین کتاب خود را در ۱۲۴۲ق و آخرین کتاب (هشتصد و سومین کتاب) را در
۱۲۹۰ق نگاشته که حدود پنجاه سال می شود. با شمار تالیف هر ماه یک کتاب یا رساله بیش
از ششصد کتاب خواهد شد.

نسخه شماره ۳۳۵۲۷ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی حاوی دو رساله است، رساله
نخست محشر و دیگری تذکرة الاقوال فی فقه سید الرسل و آله المفضل که هر دو از تالیفات
عاصی رشتی است.

محشر، رساله گزیده ای در موضوع مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

۱. شیرخدای آذربایجان، ص ۲۸۰-۲۸۱

۲. برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به مقاله «عاصی رشتی (۱)» به قلم استاد امر الله شجاعی، مجله میراث شهاب،
سال بیست و ششم، ش ۱۰۰، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۶۱-۱۹۲ و مقاله «عاصی رشتی (۲)» ش ۱۰۱-۱۰۲، پاییز
و زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۲۳-۱۶۹ همان مجله و مقاله «کتابشناسی آثار ملامحمد محسن بن محمد رفیع رشتی
اصفهانی» به قلم مصطفی صادقی در مجموعه میراث حوزه اصفهان، دفتر دهم، ۱۳۹۲ ص ۳۵۱-۴۳۹؛ میراث
حوزه اصفهان، دفتر سوم، به اهتمام محمدجواد نورمحمدی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان،
۱۳۹۲، ص ۳۵۱-۴۳۹ و میراث حوزه اصفهان، دفتر سوم، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳-۲۵۹، مقدمه «مرآة العاشقین» به
تحقیق و تصحیح استاد علی صدرایی خوبی.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۹، ص ۳۲۴-۳۲۵.



است، وی این مصیبت را محشری دیگر نامیده و راه رستگاری را در سوگواری و گریه در این مصیبت بیان کرده است. نویسنده در آغاز این رساله به استقبال قصیده شینیه خاقانی رفته است. نظر به این که رساله دوم این مجموعه در ۱۴ جمادی ۱۲۸۳ به قلم شیخ عبدالجواد بن لطفعلی قزوینی (= شیخ جواد جوادی) تحریر شده، این رساله پیش از این زمان - وقت حضور عاصی رشتی در شهر قزوین - نوشته شده است.

آغاز:

حدیث محشری دارم که باشد محشر عنوانش

الا مر حق پرستان را چو من دستی به دامانش

انجام:

تا چو اندر دوش و فردا عادمی

می نبینی روز محشر نادمی

عاصیا احسنت خامه یاز دار

محشری کردی ز محشر آشکار

جوش زد از کلک خونین تو شاه

وا نه این دستان و از دل عذر خواه

بر ثبات این که دی دارد صباء

بس خود این دستان اگر باشد صفا

تضمین قصیده شینیه خاقانی

حدیث محشری دارم که باشد محشر عنوانش

الا مر حق پرستان را چو من دستی به دامانش



طویل الذکر طوماری ازل طفل دبستان رو
 که تا عمر ابد نتوان رسانیدن به پایانش
 نه عاشورا همین محشر خود اندر محشر آن محشر
 که گیرد دست هر قاتل قتیلی تا به دامانش
 شهید الحق فی الکونین یک نکته ز مضمونش
 سواد الوجه فی الدارین یک نقطه ز عنوانش
 تمام انبیاء و اولیا حیران و سرگردان
 جز آن که شهپر روح القدس جاروب میدانش
 چنان در لرزه قهر انتقام احمدی کایان
 بزه خود بر کمان قاب و قوسین از گریبانش
 به هر دردی بود درمان ولی آن درد بی درمان
 که نهاده خرد در حقه های چرخ درمانش
 اگر «لا» غل شود بس کثرت اندر گردن سالک
 مگر بگشوده باشد باب «الآ» چشم عرفانش
 میان «لا» و «الآ» یک الف فرق است و گر نبود
 در «الآ» آن الف باشد شمارد عقل یکسانش
 چو حکم کل سرّ جاوز الإثنین میدانم
 نیارم بر دو لب سرّی که ناچار است کتمانش
 کس از کتمان راز خود پشیمان کی شود لیکن
 بود بسیار کز افشای آن بینی پشیمانش
 همین دان بر تلافی های عاشورا رسد فرمان
 بر عقل که بر فرمان کشاند خیل فرمانش



از آدم تا به خاتم مرد و زن آیند سرگردان
 غمین آدم حزين حوّا چو فرزندان عربانش
 بسی درویش با موسی به طور فکر دردآسا
 که با رضوان نسازد راستی بنیان لرزانش
 برافتد پرده چون از کار شایان گردد آن حکمت
 که در گنجینه هستی سپردی حق به ثعبانش
 من و آن شیعه حیران کز اشک دیدگان درمان
 دهد حبّ حسنینمان که بس جانها به قربانش
 نکردی کن کنون بر خود از این شوراب چشم‌ای دل
 که در آن روز خواهی یافت همچون درّ غلطانش
 از آن نامش ملیح آمد که هر فاسد زملح آن
 ملاحظهای وی گیتی فکنده در نمکدانش
 مگر عاصی رهد زین خشک کامی در صف محشر
 به میرایی شاه دین حسین از جان عطشانش

سنجه (۹۷) فهرست آثار و دست نویس های آیت الله شیخ هاشم تقدیری

سبزواری

آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (۱۳۰۴-۱۳۷۵ش) دانش آموخته حوزه علمیه مشهد
 وقم و از شمار شاگردان آیات عظام بروجردی، خمینی، مرتضی حائری، هاشم آملی، محقق
 داماد یزدی و علامه سید محمد حسین طباطبائی بود و زندگانی خود را به تدریس علوم
 اسلامی و تربیت شاگردان گذراند. وی از سال ۱۳۶۲ش به خوانسار مهاجرت نمود و تا
 پایان زندگی در حوزه علمیه آن سامان به تدریس پرداخت. از فعالیت‌های ویژه ایشان تبلیغ و
 سخنرانی مجالس مذهبی و ترویج فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) بود. وی در سالهای



نخست انقلاب مدتی به مشاغلی در قوه قضائیه و امامت جمعه پرداخت و سپس آن را رها کرد و به تدریس و تبلیغ و ترویج دین همت گماشت. آرامگاه او در زاویه صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) قرار دارد. رحمة الله علیه.^۱

این آثار به صورت دست نویس و در دفترچه های خط دار معمولی به خط نسخ تحریری نوشته شده است و شماری از این آثار تقریرات دروس خارج فقه و اصول اساتید نویسندگان و بیشتر آن در موضوع تاریخ و سیره اهل بیت (ع) و تفسیر و روایات است. آن گونه که از عنوان این مکتوبات روشن است شماری برای بهرمندی در منبر و مجالس سخنرانی فراهم آمده و به سلیقه ای ویژه تالیف شده است. بیش از چهل جلد از این آثار درباره پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهرش تالیف شده است. این مجموعه در موسسه کتاب شناسی شیعه در قم نگهداری می شود.

۱. مجموعه ای از سخنان نخبه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)
۲. حیات نورانی حضرت امام حسن عسکری ابومحمد حسن بن علی (علیهما السلام)
۳. اسلام و حکومت اسلامی و اقتصاد
۴. مصائب امام حسین (علیه السلام)
۵. زندگانی امام حسن مجتبی (علیه السلام)
۶. مجموعه ای از سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) از نهج البلاغه و ترجمه آن
۷. بحث های درباره بشر و بندگی و تکامل و زندگی
۸. مصائب امام حسین و اهل بیت (علیهم السلام)

۱. این زندگی نامه تلخیصی از مقاله زندگی مرحوم آیت الله تقدیری به قلم فرزندش پژوهشگر ارجمند علی تقدیری با عنوان «هاشم تقدیری سبزواری؛ اسوه هجرت» (منتشر شده در مجموعه ستارگان حرم، ج ۱۳، قم، نشر زائر، ۱۳۸۲ش، صص ۱۲۱-۱۴۱) است.



۹. مجموعه روایات در موضوع عقل
۱۰. منتخبی از سخنان اولیاء دین (علیهم السلام)
۱۱. طوفان غریزه جنسی و نقش انقلاب عجیب آن در ارواح
۱۲. مجموعه از فضائل امیرالمومنین (علیه السلام)
۱۳. علو همت از دیدگاه اسلام و نقش عظیم آن در تکامل بشر
۱۴. مجموعه روایات درباره هوی و هوس
۱۵. شمه ای از احوال فاطمه (سلام الله علیها) و فضائل ایشان
۱۶. منتخبی از کلمات قصار امام همام سبط شهید رسول خدا امام حسین (علیه السلام)
۱۷. مقام عظیم امام حسین (علیه السلام)
۱۸. حیات امام صادق (علیه السلام)
۱۹. زندگانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
۲۰. اهل بیت (علیهم السلام) و مقام ولایت
۲۱. مجموعه مواعظ از احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۲۲. مجموعه داستانهای اسلامی
۲۳. بهترین اشعار و ابیات منتخب
۲۴. مباحث پیرامون مسائل عصری
۲۵. حیات امام سید الساجدین زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام)
۲۶. مباحثی درباره مرگ انسان
۲۷. مجموعه اشعار منتخب ادر مدح و مرثیه اهل بیت (علیهم السلام)
۲۸. فوائد دین
۲۹. مسائلی پیرامون ایمان به غیب و مباحث متعلق به آن





۳۰. زیان جهل به وظائف
۳۱. صلاح و سعادت بشر
۳۲. حقوقی که بر انسان است
۳۳. آثار ایمان
۳۴. زوجیت در نظام اسلامی
۳۵. احوال امام صادق (علیه السلام)، ۲ ج
۳۶. مباحثی پیرامون قلب یا دل
۳۷. زندگانی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)
۳۸. انسان و رشد و تربیت
۳۹. حیات امام همام ابوالحسن الثالث هادی النقی (علیه السلام)
۴۰. مباحث تفسیری پیرامون سوره هایی از قرآن کریم
۴۱. فضیلت های انسان
۴۲. پیرامون زن از دیدگاه اسلام
۴۳. شمه ای از مصائب سیده النساء العالمین فاطمه زهراء (سلام الله علیها)
۴۴. امتیازات دین اسلام
۴۵. موقف هدایت مردم و اضلال آنها
۴۶. لزوم دین از نظر عقل
۴۷. اشعار منتخب در مواعظ و نصایح
۴۸. احوال و مصائب امام حسین (علیه السلام)
۴۹. مباحثی در شخصیت و حیات و علوم و معارف و آثار امیرالمومنین علی (علیه السلام)
۵۰. تلخیص کتاب فرج بعد از شدت تالیف مرحوم اسماعیل شکری بروجردی متخلص
به خباز

۵۱. اخبار و مطالب درباره مرگ
۵۲. مباحثی درباره حکومت اسلامی
۵۳. اخبار منتخب از معصومین (علیهم السلام)
۵۴. مجموعه اشعار منتخب در موضوع نصایح
۵۵. فصول متفرقه در اخلاق اسلامی
۵۶. اخلاق انسان و کمالات
۵۷. ایمان و انسان
۵۸. پیرامون مرگ
۵۹. مباحثی در اربعین امام حسین (علیه السلام)
۶۰. قصایا و وقایعی در موضوع امداد و عنایات حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه)
۶۱. منتخب کتاب خصال شیخ صدوق
۶۲. عوامل رشد و انحطاط و انحراف انسان
۶۳. حیات مولانا ابوالحسن باب الحوائج موسی بن جعفر (علیه السلام)
۶۴. نظام و حکومت از نظر اسلام و سعادت انسان
۶۵. پیرامون تفکر و اندیشه از دیدگاه اسلام
۶۶. فضایل و رذایل در موضوع اخلاق
۶۷. انسان و ارتباط با حق تعالی
۶۸. نقش عمل و اخلاق در زندگی بشر
۶۹. مباحثی پیرامون مرگ و بعد مرگ
۷۰. مجموعه احادیث منتخب از خصال، اثنی عشریة، کافی، ارشاد القلوب، بحار الانوار
۷۱. ایمان و نقش آن در زندگی انسان





۷۲. مجموعه روایات منتخب از خصال شیخ صدوق
۷۳. مباحثی پیرامون محبت و عشق، ج ۱
۷۴. حیات امام سید الساجدین حضرت زین العابدین (علیه السلام)
۷۵. زندگی نامه علمای اسلام
۷۶. مباحثی در زندگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، ج ۲
۷۷. حیات امام همام باقرالعلوم محمد بن علی (علیهما السلام)
۷۸. شمه ای از احوال و فضائل علی بن موسی الرضا (علیه السلام)
۷۹. پیرامون مقام و ولایت امام موسی بن جعفر (علیه السلام)
۸۰. احوال و شهادت حضرت ابوالفضل العباس و حضرت علی اکبر و حضرت قاسم و حضرت علی اصغر (علیهم السلام)
۸۱. مباحث و مطالبی در احوالات حضرت امام محمد بن علی الجواد (علیه السلام)
۸۲. مباحثی پیرامون عشق و محبت، ج ۲
۸۳. مباحثی پیرامون نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)
۸۴. زندگی و شعور حیوانات از دیدگاه قرآن و روایات
۸۵. تقدّم دین در امورات دنیوی و اخروی
۸۶. مباحثی در اصول فقه به عربی
۸۷. دولت و حکومت در اسلام
۸۸. مباحثی پیرامون معاد
۸۹. یادداشت‌هایی پیرامون مکه و کعبه و حج
۹۰. شرح عروة الوثقی بحث نماز جماعت
۹۱. مباحثی پیرامون مرگ
۹۲. تقریرات درس اصول فقه آیت الله سید محمد محقق داماد یزدی



۹۳. تقریرات درس خارج مکاسب محرّمه
۹۴. تقریرات درس خارج بحث اجتهاد و تقلید
۹۵. تقریرات درس خارج مبحث صلاة
۹۶. شرح عروة الوثقی، بحث تکلیف، ج ۱
۹۷. شرح عروة الوثقی، بحث خمس
۹۸. شرح عروة الوثقی، بحث تکلیف، ج ۲ (ادامه: بحث بیع موضوع عقد)
۹۹. تقریرات درس خارج فقه بحث صلاة (موضوع رکوع)
۱۰۰. شرح عروة الوثقی بحث طهارة
۱۰۱. بحث هایی درباره مالکیت در اسلام
۱۰۲. تقریرات درس خارج فقه بحث تیمّم
۱۰۳. مجموعه روایات در فضیلت علم و اخلاق، رونوشت مجموعه استفتائات از آیت الله العظمی حکیم که توسط آیت الله سید محمد حسین حسینی لنگرودی پرسیده شده است، رونوشت مجموعه استفتائات از آیت الله العظمی گلپایگانی که توسط آیت الله شیخ محمد علی گرامی پرسیده شده است.
۱۰۴. سلسله مباحثی پیرامون شخصیت الهی حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
۱۰۵. مجموعه مطالبی درباره نبوت خاصه
۱۰۶. مجموعه قصه های شنیده شده آموزنده
۱۰۷. مجموعه دروس ادبیات عربی
۱۰۸. مقالات متفرّقه درباره تشیع و شیعه
۱۰۹. مباحثی پیرامون زندگانی امیرالمومنین (علیه السلام)
۱۱۰. داستانها و پندها



۱۱۱. دروس خلاق
۱۱۲. شرح عروه مباحث شک در نماز
۱۱۳. منتخب اشعار اخلاقی و پند آموز
۱۱۴. تقریرات درس خارج فقه (بیع)، جزء اول
۱۱۵. تقریرات درس خارج فقه (بیع)، جزء دوم
۱۱۶. منتخب ریاض الحکایات میرزا حبیب الله کاشانی
۱۱۷. مباحث درباره شکر نعمت و کفران آن
۱۱۸. تاریخ حوادث سؤال المکرّم
۱۱۹. موقف ولایت در مقابل معارف و احکام
۱۲۰. حول خطبة الأولى من نهج البلاغة
۱۲۱. امامت، جزء دوم
۱۲۲. اثبات صنع و توحید
۱۲۳. مباحث چهارده گانه درباره مرگ
۱۲۴. انسان در نظام تکوین و خلقت

سنجه (۹۸) زندگی نامه خودنوشت حاج شیخ محمد علی مظفری

شاهرودی

مرحوم آیت الله مظفری شاهرودی فرزند مرجع بزرگ شیعه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی (درگذشته ۱۳۴۲ ش/۱۳۸۳ ق)، از اساتید مشهور حوزه علمیه قم بود و زندگانی وی در تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف ایران و تدریس سطوح عالی حوزه در طول بیش از نیم قرن و تالیف مباحث فقهی و اصولی گذشته است.

وی دو بار زندگی نامه خود را نوشته؛ یک مختصر و دیگر بار مفصل. متن زندگی نامه مختصر که در ادامه مطالب خواهد آمد را در سال ۱۳۹۶ شمسی در هفتاد و سه سالگی نوشته است.



زندگی نامه مفصل وی در بردارنده فصول مهم زندگی او و خاطرات است. محتوای زندگی نامه و خاطرات او عبارتند از: ولادت، تحصیلات، عزیمت به نجف اشرف، بازگشت به ایران، وعظ و ارشاد و تبلیغ، همکاری با مرکز مدیریت حوزه قم، شروع تدریس در حوزه نجف و قم، امامت جماعت و خانواده.

ایشان در بخش وعظ و تبلیغ، خاطرات خود در ایام تبلیغی (محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و ایام فاطمیّه) در مناطق شاهرود، هشتیجان فارس، ازبیه اصفهان، دیر و بندر بوشهر، قزوین، سیاهکل، خمین، بوانات و قیر ازحوالی شیراز، آذربایجان غربی، ایلام، زواره، شهابیه خمین، کهکیلویه، خرم آباد و ... را به یادگار نوشته است.

این اثر در دفتر رسمی در هفتاد صفحه تحریری؛ هر صفحه نوزده سطر تحریر شده و دارای صفحه شمار و عنوان بندی است. برخی فرازها دارای قلم خوردگی و تصحیح و افزوده هایی در هامش اوراق است. اصل این اثر در نزد خانواده ایشان نگهداری می شود و نسخه عکسی آن در کتابخانه موسسه کتابشناسی شیعه به شماره ۱۳۰۹/۲ موجود است.

آیت الله مظفری در تاریخ دوم اسفند ۱۳۹۸ درگذشت. مزار او در قبرستان شیخان در مقبره پدر بزرگوارش آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی قرار دارد، نوشته سنگ مزار او چکیده‌ای از زندگانی اوست:

«العلماء باقون مابقی الدهر؛ مرقد شریف عالم ربّانی حضرت آیت الله حاج شیخ محمدعلی مظفری شاهرودی فرزند مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عباسعلی شاهرودی که پس از عمری تهذیب نفس و تحصیل علوم دینی در نجف و قم در محضر حضرات آیات امام خمینی، خوئی، گلپایگانی، وحید خراسانی و ... و نیل به مرتبه اجتهاد و تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول و تبلیغ مذهب حقّه جعفری در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۴۱ ق در سن ۷۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفت».

متن زندگی‌نامه خودنوشت

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد صلى الله عليه وآله و درود فراوان و متصل به ائمه هدى عليهم صلوات الله على الخصوص بقية الله الاعظم روحى و ارواح العالمين لمقدمه الفداء.

اینجانب محمد علی مظفری شاهرودی دارای شناسنامه شماره ۳۳۰۳ متولد ۱۳۲۳ شمسی صادره از حوزه ۲ قم، در بیت مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ عباسعلی شاهرودی (رحمة الله عليه) به دنیا آمدم. پس از اخذ دیپلم (ششم طبیعی) در سال ۱۳۴۳ وارد حوزه قم شدم. پس از سه سال تحصیل در حوزه قم و فراگیری مقدمات در سال ۱۳۴۶ به حوزه نجف اشرف مشرف شدم. در آنجا پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید برجسته ای همچون مرحوم علامه ملاصدرای بادکوبه ای، مرحوم آیه الله العظمی میرزا جواد آقای تبریزی، شهید آیه الله غروی، مرحوم آیه الله جواهری و آیه الله معرفت درس خارج را خدمت مرحوم حضرت امام خمینی (ره) و مرحوم حضرت آیه الله العظمی خوئی تلمذ کردم. پس از ۶ سال تحصیل در نجف اشرف در سال ۱۳۵۲ به قم مراجعت نموده و همزمان شروع به تحصیل و تدریس و تبلیغ نمودم. در تحصیل فقه و اصول از محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی، حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، مرحوم آیه الله العظمی علامه فانی اصفهانی، مرحوم آیه الله حاج شیخ هاشم آملی، و مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی بهره بردم. در طی ۴۰ سال تدریس، ۲۵ سال آن را به تدریس سطوح عالی از جمله مختصر، قوانین، معالم، لمعتین، رسایل و مکاسب، و جلدین کفایه و ۱۵ سال آن را به تدریس (خارج) فقه و اصول از جمله بحث صلاة، الفاظ، و اجتهاد و تقلید پرداختم. علاوه بر تدریس در حوزه، چندین سال هم مشغول تدریس در دانشگاه و همکاری با مرکز مدیریت دولتی جهت تدریس در شهرهای مختلف ایران بودم. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ درجه اجتهاد و دکتری از دفتر تبلیغات اسلامی شدم. در طول این سال ها در ماه مبارک رمضان، ماه محرم الحرام، دهه آخر صفر، ایام فاطمیه، و دهه مبارک





فجر به اطراف و اکناف ایران اسلامی سفر نموده و سعی و کوشش بنده بر بیان احکام اسلامی و ارتقاء سطح فرهنگی عموم مردم بوده است.

فعالیت های سیاسی: در نجف تمام هم و غم ما این بود که در مقابل سم پاشی ها و مخالفت هایی که با حضور حضرت امام در آن دیار مقدس می شد، مخالفت کرده و موانع را در مسیر راه برطرف می نمودیم. نحوه حمایت و جانب داری ما از حضرت امام به طوری بود که موجب رضایت و دلگرمی ایشان را فراهم آورد و مورد توجه خاص و مرحمت ویژه ایشان قرار گرفتیم. در سال ۵۲ که خواستم از آن دیار مقدس به ایران سفر کنم، به عللی نتوانستم به حضور ایشان رفته خداحافظی کنم، اما بعدها که به ایران آمدم و ایشان از آمدن من مطلع شد به مرحوم اخوی فرموده بودند: «که سلام من را به فلانی برسان و بفرما که ایشان به قم بروند». در عصر عاشورای سال ۴۲ هنگامی که در مدرسه فیضیه حضرت امام مشغول سخنرانی و نصیحت و ارشاد شاه بودند، بنده در آنجا حضور فعال داشتم، تا جایی که ایشان فریاد زدند: «ما نمی خواهیم تو به سرنوشت پدرت دچار شوی و وقتی که رضاخان از ایران می رفت با وجودی که متفقین در این مملکت بودند، در عین حال مردم خوشحال بودند که رضاخان رفته است». در این حادثه حمله به مدرسه فیضیه نیز بنده مورد ضرب و شتم قرار گرفتم.

در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۲ برای ترغیب مردم به دادن رای به جمهوری اسلامی به مدت ۲۰ روز تبلیغی از طرف بیت امام به عباس آباد اطراف چالوس رفتم و مردم را به دادن رای برای جمهوری اسلامی تشویق نمودم، به صورتی که در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ ش، زن و مرد، بزرگ و کوچک برای دادن رای به پای صندوق ها رفته و همان روز «روز جمهوری اسلامی» اعلام شد.

با شروع جنگ تحمیلی و آغاز هجوم ددمنشانه صدام علفقی به ایران اسلامی، مملکت عزیز ایران یکپارچه برای جلوگیری از ورود این نوکر استعمار به طرف جبهه های حق علیه باطل هجوم بردند، اینجانب نیز برای ادای وظیفه دینی و شرعی خود، در تاریخ های مختلف برای ارتقای سطح فرهنگی رزمندگان و ایجاد ترغیب و تشویق و دلگرمی و پایداری آنان در برابر صدام به جبهه های نبرد حق علیه باطل، مکرر به مناطق مختلف از جمله کرمانشاه،

مسجد سلیمان، و اهواز عزیزمت نمودم. خاطره ای هم در این رفت و آمد ها دارم که ذکر آن خالی از لطف نیست؛ در یکی از روزها جوانی که روحیه شهادت طلبی در سیمای او تالو می نمود، نزد من آمد و گفت: "حاج آقا من می خواهم به جبهه بروم تا به فوز شهادت نایل شوم."

به او گفتم: "فرزند عزیزم به جبهه که می روی و لباس رزم بر تن می کنی، نقطه اصلی رویارویی تو با دشمن عنود و نوکر استعمار این باشد که از آنها آنچه در توان داری بکشی و زمین را از لوٹ وجود افراد پلید پاک کنی و اگر احیانا در ضمن رزم و پیکار با دشمن کشته شدی شهید در راه اعتلای اسلام می باشی."

در صدمین سال تولد حضرت امام (ره) از طرف دفتر نشر آثار، لیستی شامل فروع متفاوت جهت نگارش مقاله برای ما فرستاده شد که بنده در باب موضوع تعادل و تراجیع ۲۵ صفحه به عربی نوشتم و برای آن مرکز ارسال نمودم.

فعالیت های تبلیغی: برای پرورش فرهنگ دینی مردم عزیز ایران اسلامی و برای پیاده شدن قوانین ارزشمند اسلام شیعی به اطراف و اکناف این مملکت سفر نموده و در این راه چه سختی ها و رنج ها و مرارت هایی را متحمل شدم که در جای خود قابل ذکر و گفتگو است. در طی ۴۰ سال فعالیت تبلیغی در ماه های مبارک رمضان، محرم الحرام، دهه آخر صفر، ایام فاطمیّه، و دهه فجر به بیش از ۴۰ شهر سفر کردم که به قرار ذیل می باشد: تهران، بروجرد، شیراز، شهرکرد، بهبهان، اردکان، یاسوج، سمیرم، خمین، نایین، آمل، بابل، خرم آباد، کرمانشاه، اردستان، زواره، ایلام، بم، ارسنجان، قم، برازجان، گناوه، اسدآباد، ساوه، امیران، بویراحمد، نطنز، مسجد سلیمان، سیاهکل، ابرقو، الیگودرز، ازنا و هکذا.

تحصیلات حوزوی:

- حوزه علمیه قم: ۱۳۴۶-۱۳۴۲

* مقدمات:

جامع المقدمات / استاد بیهقی





سیوطی / شهید حقانی

حاشیه ملا عبدالله / استاد عسگری

مغنی باب رابع / استاد جلیلی

معالم / استاد نبوی

- حوزه علمیه نجف اشرف: ۱۳۵۲-۱۳۴۶

* سطح عالی:

رسایل / شهید آیت الله غروی (صاحب التفتیح)

مکاسب / علامه ملاصدرای بادکوبه ای

بیع مکاسب / مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقای تبریزی

لمعتین / آیت الله جواهری و آیه الله معرفت

جلدین کفایه/علامه ملاصدرای بادکوبه ای

منظومه سبزواری / علامه حاج شیخ عباس قوچانی

* درس خارج:

معاملات (بیع مکاسب) / حضرت امام (ره)

خارج اصول بحث الفاظ / حضرت آیه الله العظمی آقای خویی (ره)

- مراجعت به حوزه قم: ۱۳۶۸-۱۳۵۲

حج، قضا، شهادت، معاملات (بیع مکاسب) ۸ سال / مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی

خارج اصول (یک دوره) از استصحاب تا استصحاب ۱۳ سال / آیه الله العظمی وحید

خراسانی

لاضرر / حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی

خارج فقه (صلاة) / آیه الله العظمی وحید خراسانی

فروع علم اجمالی صلاة و کتاب خمس / مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حایری

خارج اصول (مشتق تا استصحاب) / مرحوم علامه فانی
خارج اصول (استصحاب) / مرحوم آية الله آقا شيخ هاشم آملی
- تدریس در مراکز حوزوی (۴۰ سال)

* سطح عالی:

مختصر المعانی / ۱۳۵۳ یک سال

معالم الاصول / ۱۳۵۴ یک سال

قوانین الاصول / ۱۳۵۵ یک سال

مکاسب محرمة / ۱۳۵۶ یک سال

مکاسب (البيع) / ۱۳۵۷ یک سال

لمعتین / ۱۳۵۸ هفت سال

جلدین کفایه / ۱۳۶۵ دوازده سال

* درس خارج:

خارج فقه (مکان مصلی) / ۱۳۷۷ یک سال

خارج فقه (لباس مصلی) / ۱۳۷۸ یک سال

خارج فقه (قرائت) / ۱۳۷۹ یک سال

خارج فقه (رکوع) / ۱۳۸۰ یک سال

خارج فقه (سلام) / ۱۳۸۱ یک سال

خارج فقه (سجده) / ۱۳۸۲ یک سال

خارج فقه (تشهد) / ۱۳۸۳ یک سال

خارج اصول (اجتهاد و تقلید) / ۱۳۸۴ دو سال

خارج اصول (مبحث الفاظ) / ۱۳۸۶ دو سال





خارج اصول (المقصد الاول فی الاوامر) / ۱۳۸۸ دو سال
خارج اصول (المقصد الثانی فی النواحی) / ۱۳۹۰ یک سال
- فعالیت های علمی پژوهشی (جزوات):
* اصول فقه:

الكلام فی الوضع / عربی / ۵۲ صفحه
هل الصیغه الامر تدل علی الوجوب ام لا / عربی / ۵۲ صفحه
هل الاستصحاب اصل العملی ام لا / عربی / ۳۱ صفحه
تعادل و تراجیح / عربی / ۲۵ صفحه
الاجتهاد و التقليد / عربی / ۲۵۰ صفحه
قیاس / عربی / ۴۳ صفحه
* فقه:

ذبیحه کتابی / عربی / ۴۵ صفحه
خيار العیب (معاملات) / عربی / ۵۰ صفحه
از جمله فعالیت های دیگر همکاری با نهاد پایان نامه حوزه علمیه قم (استاد راهنما)، دایره
امتحانات شفاهی حوزه، پژوهش و تحقیق در موسسه آل البيت (ع)، امام جماعت مسجد
امام حسن عسگری (ع) قم است.

سنجه (۹۹) وسائل النجاة؛ اثری نویافته از گرجی اصفهانی

ملا محمد سلیمان بن تاریقلی گرجی اصفهانی شخصیت گمنام از عصر صفویه و معاصر
علامه محمدباقر مجلسی است. وی در علوم کلام و تفسیر و حدیث و .. ید طولانی داشته
است. در منابع نام وی به عنوان: «سلیمان جرجی یا گرجی»، «سلیمان بن تنکرقلی گرجی»
و یا «محمد سلیمان بن تاریقلی گرجی اصفهانی» معرفی شده است.

وی از تبار گرجیان اصفهان است

آثار او عبارت اند از:

۱- تفسیر آیه الكرسي

علامه تهرانی در الذریعه آورده است: «للسیخ سلیمان الجرجی، ینقل فیہ عن الفیض الکاشانی و العلامة المجلسی، و الظاهر من الموجود منه فی الخزانة الرضویة من وقف (۱۱۴۵) أنه من أجزاء التفسیر الذی مر بعنوان تفسیر جرجی کما فی فهرسه»

نسخه منحصر به فرد این رساله در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۲۶۳ موجود است. با توجه به عبارت پایانی این رساله «نقل من تفسیر سلیمان الجرجی» برمی آید، این اثر از کتاب أمّ العرفان فی تفسیر القرآن = أمّ الحقائق باشد.

این اثر در مجموعه تراث الشیعة القرآنی^۱ چاپ شده است. و بار دیگر در مجله قرآنی آفاق نور^۲ منتشر شده است.

۲- أمّ الحقائق فی کشف الدقائق = أمّ العرفان فی تفسیر القرآن

مقدمه این تفسیر در بردارنده دوازده نکته تفسیری است.

مجلد موجود از این تفسیر شریف، از آغاز تا آیه کریمه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا، سوره آل عمران/۲۳» می باشد و از آخر ناقص است و در زمان شخص مؤلف استنساخ شده است.^۳ نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۱۹۹۰^۴ موجود است که به قلم محمدعلی ابن ابی طالباً به تاریخ ۱۱۲۵ق و در ۳۵۵ برگ کتابت شده است. این نسخه از آغاز تفسیر قرآن تا آخر سوره بقره (آیه ۲۸۶) را دربر دارد.

۳- ترجمه ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین

۱. تراث الشیعة القرآنی، ج ۱ ص ۲۹۳-۳۲۴، با تصحیح مهدی کرباسی

۲. آفاق نور، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۱۰ (ص ۴۳۷-۴۶۳)، با تصحیح حسن پویا

۳. سید محمد علی روضانی، فهرست کتب خطی اصفهان (دو هزار نسخه فارسی و عربی)، اصفهان، موسسه فرهنگی

مطالعاتی الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۸۶، ج ۱ ص ۵۵-۵۶

۴. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، ج ۳۴ ص ۱۱۲-۱۱۳





مترجم به امر شاه سلطان حسین صفوی این شرح را به زبان فارسی نوشته و در بسیاری از مواضع آن، مطلبی را از خود به عنوان «مترجم گوید» اضافه نموده است. این اضافات غالباً نقل مطالب دو شرح صحیفه میر داماد و علامه مجلسی با برخی منقولات دیگر است. شش مجلد از این کتاب به دست ما رسیده، جلد ششم مفقود شده، و از جلد هشتم تا پایان کتاب نیز اطلاعی در دست نیست. مجلدات موجود دارای تصحیح مولف است. جلد اول کتاب از آغاز تا آخر دعاء اول صحیفه کامله است. کاتب: محسن بن احمد بن شرفجهان صفوی. تاریخ پایان استنساخ: سنه ۱۱۲۶.

مجلد دوم مشتمل بر شرح دعاء دوم صحیفه تا پایان دعاء ششم است. تاریخ کتابت ۸ شهر جمادی الأولى سنه ۱۱۲۶.

مجلد سوم کتاب شرح دعاء هفتم صحیفه کامله تا پایان دعاء شانزدهم است. مقدمه و خاتمه ای ندارد. نسخه دیگری از این مجلد در کتابخانه مرعشی به شماره ۳۴۷۹^۱ موجود است.

مجلد چهارم مشتمل بر ترجمه و شرح دعای هفدهم تا پایان دعای بیستم است
مجلد پنجم حاوی ترجمه و شرح دعای بیستویک تا دعای بیست و چهارم است جلد
هفتم در بردارنده دعای بیست و نهم تا دعای سی و دوم است.^۱

۴- کَشکول اللغة

علامه روضاتی در برگ آغازین جلد اول کتاب کَشکول اللغة (نسخه شماره ۹۸۴۴ مرعشی) چنین نوشته است:

«کَشکول اللغة فی کشف الغوامض الاخباریة و الغرائب الأثریة و الغوالق القاموسیة، دایرة المعارف عصر صفوی، نسخه اصل مولف عالم فاضل ادیب بارع مفسر محقق متکلم مرحوم آخوندملا محمد سلیمان بن تاریقلی گرجی اصفهانی، صاحب امّ العرفان فی تفسیر

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۹، ص ۲۷۵

۲. فهرست کتب خطی اصفهان (دو هزار نسخه فارسی و عربی)، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۸

القرآن مذکور در الذریعه به عنوان «تفسیر الجرجی» و ترجمه ریاض السالکین در حدود ده جلد کلان که یک نسخه از جلد سوّم آن به عنوان شرح صحیفه مجهول المؤلف در فهرست کتابخانه آیه الله العظمی المرعشی النجفی جلد نهم ص ۲۷۵ معرفی شده است، و له تالیفات و تعلیقات غیر ما ذکر. کشکول اللغه بر اساس قاموس فیروزآبادی و در شرح آن و مجمع البحرین در نهایت بسط و تفصیل تحریر شده و در شش مجلد که به فرمان مولف در سه دفتر کلان جلد گردیده، بالغ بر شش هزار صفحه و بحمد الله تعالی دوره این کتاب نفیس و نسخه منحصر به فرد کامل است و به تمام معنی تمامی مجلّات شش گانه این کتاب شریف به خط نسخ و نستعلیق مضبوط خوش اسلوب مرحوم آخوند ملا محمد علی بن حاج ابوطالب اصفهانی است، چنان که در پایان مجلد سوّم (در آخر حرف فاء) رقم زده و تا تاریخ ۱۱۲۵ یکهزار و یکصد و بیست و پنج تصحیحات و تعلیقات و اضافات در حواشی صفحات در همه اجزاء کتاب به خط مبارک شخص مولف است و در حقیقت کتاب بدین حجم بسیار بزرگ و بدین پایه از صحّت و اعتبار و اتقان کمتر نظیر و مانند دارد. و الحمد لله ربّ العالمین».

جلد اوّل پس از مقدمه مفصّل از حرف «ا» تا پایان «خ»

جلد دوم از حرف «د» تا پایان «ز»

جلد سوم از حرف «س» تا پایان «ف»

جلد چهارم از حرف «ق» تا پایان «ل»

جلد پنجم تمام حرف «م»

جلد ششم از حرف «ن» تا پایان «ی»

در ذیل یادداشت آیت الله روضاتی مالک نسخه شیخ محمد علی الحسینی نوشته است:
«مؤلف در عصر سلطان حسین صفوی در اصفهان می زیسته و کتاب حاضر را در سال ۱۱۲۴ به اتمام رسانیده و تا پایان عمر در آن کار کرده است، علیه الرحمة والرضوان»





سه جلد این اثر به شماره‌های ۹۸۴۴ تا ۹۸۴۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی^۱ نگهداری می‌شود.

در مقدمه کَشکول اللغة نوشته است: «... إن قلت لم شرعت في التالیف واتعبت نفسک مع حدائة سنک وقلّة بضاعتک وکثرة تصانیف العلماء کان سعیمهم مشکور، قلت: لأني كنت حریصاً في تحصيل العلوم ومن اسبابه تصانیفهم ولم تكن لي ولم أر کتاباً شافياً في علمي التفسیر واللغة ومستغنياً عن سائره حتى أخترت بکتابته اذ كنت کتابة کلّ التصانیف وأكثر غیر مقدورة لي لعدم وفاء عمري، فلذالك أخذت بعض الكتب من العلماء عارية وعجلت في إتمام أمّ العرفان بغير تأمل وتدبر تامّ فيه وسوّدته في ضيق المجال حتى أتممت في أقلّ من سنتين، لأنّ أكثرهم كانوا يطلبون كتبهم يوماً فيوماً وهكذا أوّل هذا الكتاب وسائر تصنیفي وهذا تمهید لقبول التأس عذري...»

۵- شرح دعای صباح امیرالمومنین (علیه السلام)

این نسخه منحصر به فرد ۸ محرم ۱۳۰۴ ق کتابت شده و نسخه ای از این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۷۲۱۶/۱۰^۲ موجود است. نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۷۳۲۲^۳ موجود است.

۶- زبده الدعوات

کتاب مشتمل بر آداب و اعمال شرعی به همراه دعوات ایام و لیالی در ۱۴ باب و خاتمه منتخب از کتب معتبر قدما مانند منهاج الصلاح علامه حلی و مصباح المتهجد شیخ طوسی تا علماء معاصر مؤلف مانند جلاء العیون و زاد المعاد مجلسی اقتباس شده است. وی در ضمن، مطالب متفرقات طبی را از کتاب طب الائمه ابن بسطام نقل نموده است.

دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۱۲۴۴^۴ و کتابخانه کتابخانه آیت

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۲۵، ص ۱۶۳-۱۶۵

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۴۳، ص ۵۰۶

۳. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۷۶

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۲۷۳

الله مرعشی نجفی به شماره ۷۷۲۲^۱ موجود است.

۷- وسائل النجاة

کتابی است فارسی در فضائل امیرالمومنین (علیه السلام) که در یک مقدمه و شش باب و یک خاتمه با این عناوین تنظیم شده است:

مقدمه: در بیان سبب تسوید این رساله و ذکر وسایل ظفر و نجاح امور و طریق سلوک رعیت و ملوک

باب اول: در بیان تاریخ خلق روح و ولادت حضرت امیر المومنین (علیه السلام) و اسامی و القاب و سیمای جناب شریف او

باب دویم: در بیان بعضی از فضایل و مناقب و اخلاق و اعمال آن حضرت

باب سیم: در ذکر بعضی از کرامات و معجزات آن حضرت

باب چهارم: در ذکر بعضی از فضل محبت آن حضرت و شیعه او

باب پنجم: در بیان قضیه غدیر خم و نص بر خلافت آن حضرت و شرایط امامت

باب ششم: در بیان فضل شب غدیر و یوم آن مع الآداب و الأدعیه

خاتمه: در بیان شهادت و فضائل زیارت ذکر رجعت آن حضرت

منابع احادیث رساله، افزون بر کتب حدیثی متقدم، کتابهای بحار الأنوار و عین الحیة و دیگر آثار علامه مجلسی است که نشانگر این است که این کتابها از همان روزگار تالیف مورد استناد قرار گرفته است.

وی در متن کتاب به آثار دیگر خود نظیر کشکول اللغة و زبدة الدعوات ارجاع داده است.

سلیمان گرجی در لابلای سطور به معجزه شفای پدر بزرگ خود به لطف امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) اشاره کرده است: «از مرحومه والده خود که کتب فارسیه را نزد او خوانده‌ام و سواد خط گرجی نیز داشت، شنیدم که می فرمود که پدری داشتم مشلول

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۰، ص ۹۵-۹۷



و بعد از قبول اسلام، حضرت امام رضا (علیه السلام) را در خواب دید که به او می‌گوید: «بیا در نزد من تا معالجه تو کنم» و او نیز بعد از بیداری اراده مشهود مقدّس کرده به مشقّت تمام با کجاوه او را بردند و شب در روضه مطهّره ماند و حضرت او را شفا داد و جمعی که مَطَّلَع شدند رختهای او را به جهت تیمّن و تبرّک پاره پاره کردند و بردند و نیز از مردم آن محله که الحال زنده هستند شنیدم که می‌گفتند که پدر مادر تو به این سبب به زبان گرجی ملقب به «کوتک» بودند. (برگ ۴۵ ر)

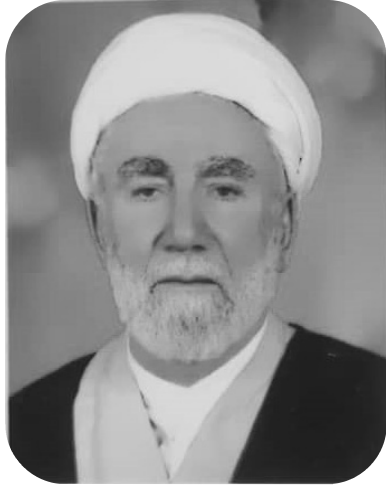
آغاز: «حمد بیحد و ستایش بیعد معبودی را سزد که بادلّه عقلیه شناسانیده خود را بکَمَل مخلصین و تعلیم نمود آداب شرعیّه را بارسال انبیاء مرسلین... اما بعد چنین گوید کمترین خدمه اخبار ائمه هدات علیهم افضل الصلوات که این رساله موسومه بوسائل النجاة مرتب است بر در مقدّمه و شش باب و خاتمه...»

انجام: «...ورد آن اینست که اللهم اغفر لعلی و ذرّیّته و محبّیه و أشیاعه و أتباعه و العن مبغضیه و أعادیه و حسّاده إنک علی کل شیء قدير»

شاه سلطان حسین صفوی این نسخه را به مدرسه مبارکه جدید سلطانی وقف کرده است. در آغاز این نسخه وقف نامه ای به تاریخ جمادی الاول ۱۱۲۶ ق با مهر چهارگوش شاه سلطان حسین صفوی آمده است. سجع مهر چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم، کلب آستان امیرالمؤمنین سلطان حسین». عناوین و نشانی‌ها به شنگرف بخط نسخ زیبا در ۳۲۰ برگ نوشته شده، صفحات دارای رکابه، کمند کشی زرّین و در حواشی به قلم مولف در هامش و میان سطور کتابت شده است.

سنجه (۱۰۰) زندگی نامه خود نوشت آیت الله محمدی تاکندی

آن بزرگ مرد، بیش از هفتاد سال طلبگی کرد و تنها به وظیفه طلبگی پرداخت. امام جماعت بود، در حوزه درس می‌گفت، کتاب می‌نوشت، به شکایات و دعاوی مردم رسیدگی می‌کرد. دست نیازمندان را می‌گرفت، در روستاها مسجد و حسینیه می‌ساخت، در خوشی و گرفتاری مردم همراهشان بود، به مشکلات مردم رسیدگی می‌کرد، میان خاص و عام محبوبیت داشت،



شاگردان بسیاری داشت، در کمال سادگی زندگی کرد، با صفا و بی‌ریا و بی ادعا بود.

هیچ‌گاه منشی و دفتر و دستک نگرفت، در خانه‌اش همیشه به روی مردم باز بود، در مجالس شادی و غم مردم شرکت می‌کرد، با همان لهجه شیرین ترکی تفسیر و حدیث و اخلاق احکام یاد می‌داد. مهمترین مطالب را به شوخی و طنز می‌گفت، پای منبرش گذر زمان از یاد می‌رفت. تمام زندگی‌اش صفا و صمیمیت بود، خود را

کوچک‌ترین خادم دین حنیف می‌دانست، نه آقایی می‌کرد و نه آقازاده داشت. در یک کلام «طلبگی» می‌کرد، مبلغ و انتقال‌دهنده فرهنگ و دیانت بود. وی اعتقاد داشت و خود این گونه بود طلبه‌ها باید سه «میم» داشته باشند؛ مدرّس باشند و محقق باشند و مؤلف باشند. این عالم بزرگوار همواره یک نفس در تبلیغ و ارشاد و رسیدگی به امور مردم تلاش کرد. وی عضو شورای مدیریت حوزه علمیه قزوین بود. از شمار آثار وی می‌توان به شرح کفایه، تقریرات دروس خارج آیت الله بروجردی، امام خمینی، میرزا هاشم آملی، ایضاح الفتوی فی شرح عروة الوثقی در چهارده مجلد که تا کنون دو مجلد: اول در اجتهاد و تقلید و دوم در طهارت منتشر شده است،^۱ شرح دعای جوشن کبیر، شرح نامه امام علی (ع) به مالک اشتر که در سه جلد با عنوان نامه روح فزا در سه جلد به چاپ رسیده است، شرح دعای مکارم الأخلاق، غسل و مثل، جامع الشتات در ده مجلد، وقایع ایام و... اشاره کرد.

آیت الله محمدی تاکندی پس از سالها تدریس در سطوح عالی و خارج فقه و اصول و

۱. این اثر در سال ۱۴۳۳-۱۴۳۴ از انتشارات دارالکتاب الاسلامی قم به همت استاد شیخ صادق صادقی به چاپ رسیده است.



خدمت در مجلس خبرگان رهبری (دوره‌های پنجم و ششم) به نمایندگی از مردم استان قزوین در اول ربیع الاول سال ۱۴۴۳ برابر با ۱۶ مهر ماه سال ۱۴۰۰ در شهر قزوین درگذشت و در صحن حرم شاهزاده حسین (ع) به خاک سپرده شد.^۱ فرزند ایشان هنرمند گرامی رضا شیخ محمدی است و دامادهای ایشان حضرات حجج اسلام شیخ صادق مرادی، سید محسن حسینی، سید عباس قوامی از اساتید سطوح عالی حوزه قم و قزوین هستند.

این مقال در بردارنده زندگی‌نامه خودنوشت از ایشان است که در سال ۱۳۷۲ش (در شصت سالگی) به تفصیل نگاشته است. اصل دست‌نویس این سند در کتابخانه ایشان در قزوین نگهداری میشود. نگارنده از فرزند بزرگوار ایشان، هنرمند گرامی جناب آقای رضا شیخ محمدی برای در اختیار قرار دادن تصویری از این سند سپاسگزار است. این اثر به خط نسخ تحریری به قلم نویسنده و در قطع رحلی کتابت شده است.

یادآوری می‌شود آن مرحوم زندگی‌نامه خودنوشت دیگری به سال ۱۳۷۹ قلم زده که در زندگی‌نامه اعضاء خبرگان رهبری چاپ شده است.^۲

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

و بعد چون جناب برادر جناب آقای رضا صمدی کتابی در احوال قزوین و علمای آن می‌نویسند (مخصوصاً علمای اخیر آن) از اینجانب خواست بنده هم مقداری از احوال خود و نسب و سیر و سلوک در طلبگی خود را بیان نمایم، فلذا مقداری که مناسب می‌بینم می‌نویسم (البته حقیر را با عینک طلبه بنگرید که طلبه‌ای بیش نیستم و مفتخر به آن می‌باشم). اینجانب علی محمدی فرزند آقای حاج شیخ علی اصغر فرزند آخوند ملا علی اکبر فرزند ملا حضرت قلی محمدی تاکندی قاقزانی قزوینی که در سنه ۱۳۱۲ شمسی در قریه تاکند (که

۱. هفته‌نامه حریم امام، سال نهم، ش ۴۸۰، شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۰، جمادی الثانی ۱۴۴۳، ویژه‌نامه ارتحال آیت الله

محمدی تاکندی با عنوان: «آخوند مردمی»

۲. خبرگان ملت؛ شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹، ج ۱

از قراء قاقزان یکی از حومه‌های قزوین و تاکستان و بین جاده رشت و زنجان قرار دارد) زاده شدم.

سخن در این درخواست در چند قسمت است:

قسمت اول: در نسب

پدر اینجانب آقای حاج شیخ علی اصغر محمدی یکی از علماء معروف قاقزان حتی قزوین بوده و مورد علاقه علماء قزوین بود، هر وقت قزوین می‌آمد خدمت علماء شهر مرحوم آیه الله آقای رفیعی و حاج میرزا نصرالله شهیدی و حاج آقای همت حفظه الله تعالی و حاج شیخ محمد تقی همدانی و غیرهم می‌رسید و به سؤال و جواب علمی می‌پرداخت و پدرم مردی روشن و مبلغ و راهنمای طلاب و علماء بود و در مسائل سیاسی و اخلاقی و اجتماعی زیاد وارد بود و حالات علماء سابق مخصوصاً علماء زمان مشروطه و بعدش را زیاد گفتگو می‌نمود و تجزیه و تحلیل می‌کرد و نظریه می‌داد و با دودمان پهلوی عناد به خصوص داشت.

آقای حاج شیخ علی اصغر پدرم فرزند آخوند ملا علی اکبر محمدی (جدّ اول اینجانب) بود ایشان هم از علماء معروف عامل و متین بود (که فرزندش را روحانی نموده یکی پدر اینجانب حاج شیخ علی اصغر و مرحوم ملا علی اوسط محمدی عموی اینجانب که این عمو را بنده دیده بودم) و در زهد و علم معروف بود. در شب تاسوعای محرم ۱۳۲۷ شمسی مرحوم شد و در قم مدفون شد. کما اینکه پدرم حاج شیخ علی اصغر در سال ۱۳۵۵ شمسی در قم وفات یافت در سن ۹۲ سالگی، اما عمویم در سن ۶۵ سالگی مرحوم شد، و از عموی مزبور فرزندان روحانی بوده و هست، آقای حاج شیخ عطاءالله محمدی عالم فَعّال و مبلغ عجیبی بود، مخصوصاً در تعلیم حمد و سوره نماز به مردم در قاقزان معروف است. در سال ۱۳۴۹ شمسی مرحوم شد. در قزوین مدفون است و برادرش شیخ محمد محمدی الآن در قم می‌باشد و در این دودمان شیخ حضرتقلی و شیخ هادی و شیخ کمیل و برادرزاده شیخ اویس محمدی الآن در قاقزان روحانی هستند. مرحوم ملا علی اکبر جدّ اول اینجانب فرزند مرحوم ملا حضرتقلی محمدی (جدّ بزرگ بنده) او هم از علماء معروف قاقزان بوده است. مرحوم مغفور آیه الله سید علی بانی مسجد سید علی قزوین است (حتی نقل شده که جدّ اینجانب





آقای حاج سید علی مذکور را قاقزان دعوت می‌نماید، ایشان سفری به کنشگین و آقبلاغ قاقزان می‌آید) و ایضاً جدّ بزرگ ما هم بوده، با مرحوم حاج سید تقی ولد آبادی بوده است.

خلاصه جدّ بزرگ ما شخصی بوده به نام آقای شیخ محمد که از عمارلوی رودبار زیتون کوچ نمودند. لذا شناسنامه ما معروف به شیخ محمدی است و جهتش همان شیخ محمد جدّ بالای ما بوده است. یک رشته از پسرعموهای ما در آقبلاغ قاقزان هستند، از آن جمله مرحوم مغفور آقای شیخ محمد آخوندی آقبلاغی و فرزندش جناب حاج شیخ علی اشرف مهدی پور که مقیم آقبلاغ و قزوین است و برادرش جناب حاج شیخ محمد آخوندی الآن مقیم تهران می‌باشد.

از آقایان روحانیون فوق از اجداد پدران دینی اعمام، آثار دینی فکری و ایمانی و اخلاقی زیاد به یادگار مانده است، خیلی‌ها معتقدند که اگر معنویات در قاقزان و بافت مجالس دینی و غیره بوده، به خاطر وجود علماء فوق بوده است و مردم از علماء مزبور، مسائل و اخلاقیات و حکایات و احوال ائمه اطهار (علیهم السلام) زیاد به یادگار دارند.

قسمت دوم: مربوط به احوال اینجانب در مسیر تحصیل علم و بیان اساتید خود

اینجانب در سنه ۱۳۱۲ در قریه تاکنند قاقزان قزوین در خانواده علم و متولّد شدم، تا ۷ سالگی بچه بودم و در دامن پدر و مادر بزرگ شدم. پدرم مرا به مکتب خانه معرفی نمود (در آن زمان مدرسه دولتی نبود)، حتی یادم هست پدرم آیه شریفه (هو الفتح العظیم) را در کاغذ نوشت تا آن را در مکتب یاد گیرم.

عمّ جزء و قرآن را خواندم، بعد از مدّتی پیش پدر از کتابهای متفرّقه تدرّس نمودم. بعد پدرم مرا به قزوین آورد، در مدرسه دیانت که مدیرش یک روحانی به نام حجت الاسلام عاصفی بود نهاد. تا کلاس ششم ابتدایی که آن موقع رسم بود خواندم. در سنه ۱۳۲۶ دروس عربی را در مدرسه التفاتیّه قزوین شروع نمودم با هدایت پدر و مادرم و زیر نظر برادر بزرگم - آقا هبة الله محمدی که الآن در تهران دفتر اسناد و ازدواج و طلاق دارد - تا آخر لمعتین و مطوّل در قزوین تا آخر سنه ۱۳۳۲ طی نمودم، آن موقع استادهای بنده، خود برادرم، و مرحوم

آقا شیخ علی اصغر شیرازی و حاج سید محمد ضیاء آبادی و مرحوم آقای اویسی و مرحوم حاج آقا بزرگ علوی و حاج شیخ محمد تقی همدانی و حاج میرزا محمود آقا مهدوی و حاج آقا سامت و حاج آقا تالّهی و آقای خرّمشاهی و آقا شیخ مهدی قائمی و حاج شیخ حسن بروجردی، و آقای حاج آقا محقق ورکاروتی و حاج آقا باریک بین و غیرهم بودند. خداوند مرحومین آنها را با ائمه اطهار علیهم السلام محشور کند و موجودین آنها را حفظ و موفّق بگرداند.

مخفی نماند آن روزها متولّی مدرسه الثفاتیه با آقای صدر المعالی و آقای زعیم و آقای سیّد علی اکبر جوادی و آقای رفیعی - اخوی آیت الله رفیعی - بود، اما حوزه علمیه با آیات بزرگواران آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و آیت الله ابوترابی و آیت الله سید محمد تنکابنی غالباً اداره می شد، خداوند به همه شان رحمت فرماید. ولی حقیر آن روزها به دروس آنها نرسیده بودم و در سنه ۱۳۳۳ از حوزه قزوین به قم مشرف شدم، زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی - تازه آیت الله حجّت کوهکمری مرحوم شده بود - در مدرسه حجّتیّه با بنی عمّ آقا شیخ محمد آخوندی حجره گرفتیم، هشت سال مجرد تا سنه ۱۳۴۰ در حجّتیّه قم با ادامه سطح مشغول شدیم، از رسائل و مکاسب شروع نمودیم، در خدمت اساتید آقایان و آیات حاج آقا مشکینی، حاج آقا اردبیلی، حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج آقا اعتمادی، آقای مصباح، آقای ناصر مکارم، آیت الله منتظری، حاج آقا سلطانی، آقا شیخ جواد تبریزی، آقای جزائری، آقای صالحی. حتی خواندن قوانین در حوزه رسم بود و منظومه و علم نجوم خدمت آقایان مخصوصاً اسفار و تفسیر را خدمت علامه طباطبایی (قدّس سرّه) خواندم. دو سال به خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی موفّق شدم و یک دوره اصول آیت الله العظمی امام خمینی (قدّس سرّه) را در مسجد سلماسی گذراندم.

بعد از تبعید معظّم له به ترکیه و عراق، به درس آیت الله العظمی حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله العظمی گلپایگانی توفیق یافتیم، به درس آیات دیگر هم کم و بیش رفتیم. تا آن که انقلاب پیروز شد، تا سنه ۱۳۶۰ در قم بودم، به درس و تدریس و تبلیغ مشغول بودم، از این





طرف و آن طرف فشار می‌آوردند به عنوان امام جمعه یا مسئولیت دیگر به جای دیگر خارج از قم اعزام شوم، تا اینکه دوستان اینجانب که در قزوین بودند، آنها هم حقیر را نشانه‌گیری جهت قزوین می‌کردند، من جمله سرور گرامی امام جمعه محترم قزوین آقای حاج آقا باریک بین و امام جمعه موقت حاج آقا لشگری و جناب آقای حاج آقا امیری و آقایان علیخانی‌ها و حاج آقا اشکوری و عده‌ای از طلاب از حقیر خواستند در قزوین باشم و در کنار طلاب به درس و بحث و در کنارش به تبلیغ و کار روحانی مشغول باشم.

حقیر چون اهل این حومه بودم، علاوه بر آن به قاقزان خودمان هم می‌رسیدم و روحیه خود با درس و بحث طلبگی بسیار سازگار بود، فلذا قزوین را انتخاب نمودم، در سنه ۱۳۶۱ به قزوین کوچ نمودم، همان سال هم به حج واجب مشرف گشتم. از سال ۶۱ تا سال ۷۲ در قزوین بودم و به آیه لولا نفر عمل نمودم و هم الحمدلله و البته با کمک یاران و همکاران در حوزه علمیه قزوین، طلاب را از تصریف تا اواخر کفایتین حتی منظومه و نه‌ایه الحکمة رساندیم. و البته عده‌ای از طلاب این حوزه، به حوزه علمیه قم اعزام شده‌اند.

در کنار دروس به منبرهای ماه رمضان و محرم و صفر در قزوین مسجد نبی و مساجد دیگر و قراء و قصبات مخصوصاً حومه قاقزان اشتغال دارم، به کارهای عمرانی در کنار مردم و جهاد سازندگی از حمام و مساجد و پل و حسینیه و غیره نیز موفق شده که خداوند بزرگ قبول فرماید و مسائل جنگی و جبهه را جداگانه در قسمت چهارم خواهم عرض کرد. از انصاف دور دیدم که از دو استاد اخلاق اسم نبرم؛ یکی جناب آقای حاج آقا حسین فاطمی که در شبهای جمعه دعای توسل در خانه خود داشت و خودش منبر می‌رفت، طلاب را با اوصاف علماء و صلحاء هدایت می‌فرمود و جلسه با حالی داشت.

مرحوم جناب آقای حاج شیخ عباس تهرانی بود که روزهای جمعه ساعت ده به کتابخانه مدرسه حجّیه تشریف می‌آورد و دعای ندبه می‌خواندند و قبل از دعا طلاب را توصیه به اخلاق و رفتار صلحاء می‌نمود.

قسمت سوم: در نوشته جات حقیر

البته پدرم روحانی روشنی بود خیلی اصرار داشت که خط طلبه هم باید خوب باشد و این شعر را می خواند:

خط الحسن جمال مرء إن كان العالم فأحسن

فلذا در ایام طلبگی حقیر در مدرسه التفاتیه، مرحوم میرزا علی اصغر پزشکیان خطاط به مدرسه می آمد و به ما تعلیم خط می داد. به علاوه پدرم اصرار داشت که هر چه دیدیم و شنیدیم، یادداشت کنیم (فیّدو العلم بالکتابه)، (العلم وحشی إن ترک یمشی)، (العقلاء یکتبون أحسن ما یسمعون)، فلذا اینجانب از زمان لمعه خوانی دست به قلم شدم، کتب ذیل را تا حال نوشتم:

- فرهنگ لغات نهج البلاغه (از اول تا آخر).
- شرح مطالب الکفایتین.
- کشف المطالب القرآنیة.
- تقریرات درس آیه الله العظمی بروجردی.
- تقریرات درس آیه الله العظمی امام خمینی در اصول و فقه.
- تقریرات دروس فقه در خبازات و طهاره و صلوات آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی.
- کتاب صوم و خمس با استنباط و نظریه خود.
- مجمع الشتات، در شش جلد.
- شرح اشعار حمیری (متأسفانه در قضایای قم مفقود شد).
- کتابی به نام (مطلب یابی) در ۱۹۰ مطلب متنوع.
- جزوه های کوچک و بزرگ در شعر و نثر.
- شرحی برای نامه حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر (که مشغول نوشتن هستم)،
اللّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.
- کتابی به نام (سخن پدر) مربوط به نصایح پدرم و تمام کفار و کردار او.





قسمت چهارم: حضور در صحنه انقلاب

البته نمی‌شود ادعا کرد که سهم عظیم را در انقلاب داشتم، بلکه به‌گردد بعضی‌ها که از مال و جان، بلکه جانها گذشته نمی‌شود رسید، رحمة الله علیهم. ولی حمد خداوند متعال را که آخوند بی تفاوتی نبودم و ان شاء الله نخواهم بود، تا چه رسد به آخوند ضد انقلاب (اعاذنا الله منه)، از اول خانواده ما محمدی‌ها ضد رژیم پهلوی بودیم از جمله پدر و عمو ارشد. علاوه بر آن تربیت یافته مکتب درس و رفتار و کردار آیه الله العظمی امام خمینی بودیم که همیشه در خطبه‌ها و نصایح و اجتماعات حضور داشتیم. حتی از زمان ۱۳۴۲ تمام گفتار و اعلامیه‌ها و اشعار و شعارها که از علماء قم و شهرستان‌ها مخصوصاً مراجع، علی‌الخصوص امام خمینی (ره) را به‌طور طومار جمع نموده بودم، متأسفانه مفقود شده، خودم و دوستانم که آن طومار ده پانزده متری دیده بودند خیلی افسوس می‌خورم که دیگر پیدا نکردیم.

حقیر از سنه ۱۳۴۰ تا سنه ۱۳۶۰ در قریه نیکویه قاقزان بیست سال ماه رمضان، محرم منبر رفتم و به‌طور قاجاق اهالی آنجا را مقلد امام خمینی (ره) نمودم و در زمان حکومت نظامی حقیر منبر سیار می‌رفتم تا گیر نیفتم، آخر الامر حکومت در به‌در به دنبال من بود، ولی موفق نشد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایام جنگ منابر شهداء را در شهر و دهات که حقیر می‌رفتم، مردم را تحریک به جنگ و توجیه یاد ایام و نهضت و مبارزه می‌نمودم، مخصوصاً حضور در میان ارتش و سپاه و بسیج علی‌الخصوص در کارخانجات و شهر صنعتی البرز که یکی از وظایف روزمره بود.

کراراً در خدمت امام جمعه محترم قزوین آقای حاج آقا باریک بین و سایر مسئولین شهر در جبهه‌های جنگ از جنوب غرب از فکه و جزیره مجنون و خرمشهر و آبادان و گردنه حلبچه، حتی شب عملیات در خدمت بچه‌های منخلص (از آقای عراقی، حیدری، حاج حمزه و عمارلوی شهید و غیرهم) حضور داشتم. مدتی در مرغداری باختران که بچه‌ها مهیای عملیات می‌شدند، و فراموش نشدنی است، ماندم.

سخنرانی های حقیر و بافت گفتگوهای اینجانب مبسوط و نوارهای آن (چه نوار ضبطی و چه تصویری) بسیار است، مخصوصاً فرزندم آقا رضا محمدی که در صدد جمع‌آوری آنها هست.

قسمت پنجم: در آینده و اولاد اینجانب

اینجانب با صبیبه مرحوم مغفور حجة الاسلام آقای سید جواد تقوی (معروف به سید عرب)، فرزند مرحوم آية الله آقا سید میرزای تقوی قزوینی (که مجتهد و صاحب رساله بود) ازدواج نمودم، در سنه ۱۳۴۰ که خداوند متعال یک فرزند ذکور و سه فرزند دختر مرحمت نمود. فرزند ذکور شیخ رضا محمدی که در حوزه علمیه قزوین و در زیر نظر اینجانب تا امسال ۷۲ تا آخر کفایتین یعنی تمام سطح را خوانده‌اند که ان‌شاءالله قصد اعزام به حوزه مبارکه قم را جهت ادامه تحصیل را دارد و دارم. البته مخفی نماند این فرزند در کنار درس عربی از توان خط خوب و مقاله نویسی و قرائت قرآن و علم تجوید و غیره نیز بهره مند است. دو داماد روحانی نیز دارم به نام های شیخ صادق مرادی و سید محسن حسینی، که الآن در حوزه قم به درس خارج و اواخر سطح مشغولند. امید است فرزندان ادامه دهندگان راه دین و روحانی و نوکری خاندان آل عصمت و طهارت مخصوصاً امام حسین (ع) و امام صادق (ع) و حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشند.

در آخر متذکر است که مطالب فوق در پنج قسمت بیان احوال و تاریخچه زندگی به عنوان یک روحانی و طلبه بود نوشتم نه تزکیه نفس.

شخصیتم به چشم عالمیان خوب منظر است

از خبث باطنم سر خجلت فتاده پیش

طاووس را به نقش و نگاری در اوست خلق

تحسین کنند او خجل از پای زشت خویش





سنجه (۱۰۱) خودنوشت منظوم ملا محمد رضا کاشانی

این زندگی نامه^۱ به خامه عالم و شاعر گمنام ملا محمد رضا فرزند شیخ محمد کاشانی نوه پسر شیخ محمد علی بن محمد کاشانی ترک آبادی است.

تاریخ ولادت مولف چنان که نوشته «لو اردت فی تاریخ ولادتی فقد کتب والدی اعلی الله مقامه فی ظهر الکتاب الغنائم الذی بخطه الشریف هذه العبارة: «تاریخ تولد قره عینی میرزا محمد رضا صبح یوم سه شنبه عید غدیر ۱۲۵۴ است». تاریخ وفات او را در بزرگان کاشان ۱۳۱۴ق و محل دفن او را گلچقانه کاشان نوشته اند.

چنان که در متن منظومه آمده، وی در هنگام وفات پدرش شیخ محمد بن محمد علی کاشانی ترک آبادی پانزده سال داشته و تاریخ وفات پدرش ۱۲۶۹ق، در سن شصت و پنج سالگی به علت دچار شدن به بیماری وبا بوده است. با این حساب تاریخ ولادت پدرش ۱۲۰۴ق است.

پدر وی از شاگردان سید محمد مجاهد بوده و سی و سه سال - جز ایام سفر و روزهای عید فطر و قربان - همواره روزه می گرفته است.

وی نوه دختری ملا محمد حسن مشهور به میرزا ابوالحسن مجتهد کاشانی است و چنان که نوشته میرزا ابوالحسن مجتهد کاشانی از شاگردان ملا محمد مهدی نراقی و سید محمد تقی پشت شهدی و میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین الاصول است، که روز دوشنبه ۱۲۷۷ درگذشته است.

شیخ محمد رضا با تخلص «رضا» به عربی و فارسی شعر می گفته و چند جنگ شعری از وی به یادگار مانده است، از جمله قصیده ناصریه در احوالات و پادشاهی و قتل ناصرالدین شاه قاجار، منظومه بهاریه در استقبال از بهاریه هاتف اصفهانی، قصیده خزائیه در مرثی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)...

همه آثار وی در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم موجود است که عبارت اند از:

۱. زندگی نامه‌ای از او در چند منبع آمده است: تراجم الرجال، ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۵ و بزرگان کاشان، ص ۳۷۰

۱- ذکر احوال مالک اشتر نخعی

این کتاب در احوالات و جنگها و شهادت و مقام حضرت مالک اشتر نخعی نوشته شده است. کتاب یاد شده تتمه کتاب دیگر او مواعید الفتح است و نگارش آن در ۱۲۹۲ق پایان یافته است. نسخه آن به شماره ۷۲۵۷^۱ ثبت شده است.

۲- اشتریة

همان کتاب پیشین در احوالات و جنگها و شهادت و مقام حضرت مالک اشتر نخعی است که آن را در قالب نظم نگاشته است. نسخه آن به شماره ۷۲۵۷^۲ موجود است.

۳- مواعید الفتح

در اصول دین که هریک از اصول و مباحث ویژه آن را در دفتری جداگانه نوشته است نسخه آن به شماره ۷۲۵۷^۳ موجود است.

۴- شهاب المضلین

مجموعه‌ای است به نظم و نثر در اعتقادات. سه نسخه از آن به شماره ۵۰۱۵^۴ و شماره ۶۰۹۶^۵ و شماره ۷۱۱۶^۶ موجود است.

۵- رأس اللبئیة فی الأنهار العسلیة

در موضوع اعتقادات شیعه. نسخه ای از آن به شماره ۵۰۱۴^۷ در دسترس است.

۶- معجزات معصومین (علیهم السلام)

۱. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۲۲-۲۲۳
۲. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۴۰-۲۴۱
۳. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۴۰-۲۴۱
۴. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۲، ص ۱۷
۵. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۴، ص ۸۸
۶. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۲، ص ۱۰۸
۷. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۲، ص ۱۶



نسخه ای از آن به شماره ۶۸۷۴^۱ موجود است.

۷- بساط حلوا

در شرح منظوم نان و حلواى شیخ بهایی و جوابیه به برخی اشعار و ابیات معروف شاعران. نسخه از آن به شماره ۶۹۱۸^۲ دستیاب است.

۸- نظم اللئالی

در علم تجوید که نسخه ای از آن به شماره ۴۶۲۶^۳ در دسترس است.

۹- شرح غزوه صفین

نسخه ای از آن به شماره ۱/۶۲۷۲^۴ موجود است.

۱۰- اسکندر نامه در زندگی و جنگها و فتوحات اسکندر مقدونی

نسخه ای از آن به شماره ۲/۶۲۷۲^۵ در دسترس است.

۱۱- جنگ

دو نسخه به شماره ۵۹۳۸^۶ و ۵۹۸۱^۷ موجود است.

این وجیزه در مجموعه آثار او (منظومه اشتریه و مواعید الفتح) به شماره ۷۲۷۲^۸ آمده است.

متن این زندگی نامه که ناتمام مانده همراه با افزوده‌هایی از ناظم چنین است:

وقد جرى الدأب على التكاثر هذا لدى الإخبار فى التنافر

۱. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۵، ص ۴۰۶-۴۰۷
۲. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۵، ص ۴۰۶
۳. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۳۰
۴. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۴، ص ۲۶۲
۵. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۴، ص ۲۶۳
۶. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۳، ص ۳۷۷
۷. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۳، ص ۴۰۸
۸. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۴۰-۲۴۱



لكنّ لما قال حي مبعث
أعدّ نعماً ربّي الجليل
إنّ أبي كان من الأعلام
كان مجازاً من لدى الأستاذ
إبن كبير السيّد الجليل
صاحب شرح الذي كبير
ولأبي شرح لبعض النافع
وهو سمّي المصطفى الأجد
الصائم الدهر بلا كلام
وفي ثلاث والثلاثين سنة
من غير يومين محرّمين
أو سفر من مشهد وكر بلا
أو غير فرض كان في اشتباه
صيامه في النصف ما من عمره
مضى لدى وفاته من عمرى^١
وكان في بن خمسة وستين
تلمذ دهر الذي نحرير
العالم الذي شريف العلماء^٢
تلمذ قبل لدى البحرين
الأول البحر المحيط العالم

أما بنعمت ربك فحدّث
على فقير خاضع ذليل
علامة العلم هو الفهّام
سيّدنا محمّد المنقاد
على الطباطبا النييل
و بالرياض بيننا شهير
شرح و قد سمّي بالمنافع
الحاجّ ملا ميرزا محمّد
والقائم الليل على الدوام
قد صام دائماً على المتّصله
الفطر والأضحى لدى العيدين
أو حجّ بيت الله فرضاً فالأدا
على إحتياط في سبيل الله
الى وفاته بمستمرة
خمس وعشرة مضين عتّى^٣
من عمره مضى بذاك في الدين
مؤسس الأصول بالجدير
شرافة العلم به قد نميا
و في بلد القاشان قاموسين
ينبوع علم شهرة العوالم

١. وهو أعلى الله مقامه حين وفاته عمره خمسة وستين.

٢. أى مضين تلك السنين عتّى.

٣. ملا شريف مازندراني.





جَدّی من الأم أسیر المحن
لا فیهما بل كان فی الحلم کذا
بل كان قد أشبه بأبی الحسن
جعفر الکذاب كان ولده
کأنّ اسمه الأصلي هو محمّد
واشتهر بمیرزا أبی الحسن
تلمیذ بحر جامع غراق
قد شرب العلم لدى بحر آخر
قد كان جدّی أول البحرین
مشهده قد كان خلف المشهد
تلمذ لدى هزبر آخر
وهو سمی من هو أستاذہ
وارتحل أبی من الدنیا
من مرض الوباء قد توفّی
تسع وعشرون لشهر شعبان
ومئتين بعد ألف هذا
لو كنت طالباً علی تحصیل
قد كنت تلمیذاً لصادقین
الأول الحاجی ملأ صادق

فی السنّ والاسم بمثل الحسن
بل ومن الخلق به قد اقتدى
وهو امام عاشر اهل الزمن
وهكذا خالی کذاک مسنده
قد سمّی باسم الرسول الأمد
بالمجتهد افترق من القرن
الفاضل المشهور بالتراق
بحر علی بحر العلوم یشتهر
السید التقی ثانی إثنين^۲
ومنه فی الآفاق عزّ یشهد
وفی جواره علی الدوام مرّ
بالفاضل القمی نوا إرشاده
فی یوم الاثنین إلی النعماء
إلی جوار رحمة نصفی
من سنة تسع وستین كان
وإنما كان هو فی ماذا
لأن تصیر عالماً تفصیلی
فی العلم والکمال کاملین
حکمته كان من المشارق

۱. ناظم نوشته است: «اسم خالی کان میرزا محمد جعفر وکان من أوباش المشتهر ... بعد أبی أعلى الله مقامه بعد الرجوع إلیه لتعیین دية جراحاته صنف و ألف کتاباً فی تعیین دية جراحاته و سمّاه بالرسالة الجعفریة».
۲. بحر العلوم لقباً قد اشتهر.
۳. السید محمد تقی پشت مشهدی.

مسلّم فی الفضل غیر مانع	بجر محیط فی العلوم جامع
من علمه فی کلّ جانب نهر	و هو بصباح لذا قد اشتهر
من جمله أجلّه النوارق	ثانیهما میرزا محمّد صادق
محرّم معرّز عظیم	بجر محیط سالم سلیم
ملجأ الآفاق من المفاخر	تلمذت ایضاً عند بجر آخر
مسلّم عند الجميع فاجر	شمس علی الآفاق بجر ذاخر
حاجی ملا محمّد بن أحمد	سئی ختم الأنبياء محمّد

سنجه (۱۰۲) دو اثر ارزشمند از آیت الله دانش پژوه زنجانی

آیت الله شیخ احمد دانش پژوه زنجانی در سال ۱۲۹۵ ش در روستای دویاتاقی شهرستان هشترود متولّد شد. پدر وی شیخ موسی از علمای نامی منطقه بود. هفت نسل پیش از وی نیز همه در سلک عالمان دین بودند. وی در کودکی همراه خانواده به شهر زنجان کوچید و پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۵۴ ق برابر ۱۳۱۴ ش در وارد حوزه علمیه زنجان شد، مقدمات ادبیات عربی را نزد میرزا یحیی مدرس و حاج میرزا علی نقی و حاج میرزا فتحعلی زنجانی آموخت. شرح لمعه را از شیخ یعقوب علی جبّاری و میرزا عبدالرحیم واسعی فراگرفت. در سال ۱۳۵۱ ق به قم کوچید، درس مکاسب را از محضر سید احمد حسینی زنجانی و شیخ محمد مجاهدی تبریزی کسب فیض کرد. وی سالها در درس خارج آیت الله بروجردی و آیت الله حجت تبریزی شرکت کرد. مدتی نیز در درس امام خمینی حضور بهم رسانید. وی سالیان متمادّی در حوزه قم به تدریس اشتغال داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی داماد ایشان؛ حاج شیخ عباس علی مقدم^۱ در شهر قیدار شهرستان خدابنده حوزه علمیه امام صادق

۱. حضرت استاد معظّم حاج شیخ عباس علی مقدم در سال ۱۳۲۴ در روستای وقاصلوی علیا از توابع ارومیه متولّد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۴۰ ش در حوزه علمیه ارومیه دروس حوزه را آغاز کرد. از محضر اساتید بزرگواری چون شیخ محمد تقی صاحب الزمانی، شیخ محمد امین رضوی سلدوزی، شیخ علی نقی مشهور به میرزا بهره برد. وی سپس به حوزه قم رهسپار شد و مدارج علمی خود را تکمیل کرد. از شمار اساتید ایشان می توان





(علیه السلام) را بنیان نهاد واز ایشان برای تدریس و مدیریت حوزه دعوت کرد. آیت الله دانش پژوه از قم بدان سامان کوچید و تا پایان عمر به مدیریت حوزه و تدریس اخلاق و فقه و اصول پرداخت.

استادحاج شیخ عباسعلی مقدم در خاطرات خود نوشته است: «با سعی و اهتمام از آیت الله دانش پژوه از قم دعوت کردیم و ایشان بزرگوارانه

پذیرفتند و به خدابنده آمدند و چند سال تربیت طلاب از نظر علمی و اخلاقی را اداره نمودند، که جداً در استحکام و قدرت گرفتن پایه های علمی آن حوزه تازه پاگرفته موثر بود، به طوری که طلاب پایه های بالاتر شروع به تدریس برای طلاب جدید نمودند»^۱

استاد دانش پژوه در اوایل سال ۱۳۶۷ برای معالجه به شهر بن آلمان سفر کرد و به تاریخ

به مرحوم آیت الله شیخ احمد پایانی و آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی درس کفایه، و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی دروس خارج فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیر قرآن اشاره کرد. استاد مقدم در ۱۳۶۲ به امامت جمعه شهرستان خدابنده منصوب شد و در همان سال حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) را در جوارحرم حضرت قیدار نبی (علیه السلام) که از زمان قاجار متروک و مخروبه مانده بود، بنا نهاد. وی افزون به تدریس درحوزه علمیه امام صادق (علیه السلام)، در دانشگاه آزاد زنجان نیز تدریس نموده و در دفتر فرهنگی دانشگاه آزاد زنجان نیز فعالیت داشت. ایشان در سال ۱۳۷۹ از امامت جمعه خدابنده استعفاء داد و فعالیتهای فرهنگی خود را در دفتر فرهنگی دانشگاه آزاد تهران ادامه داد. استاد مقدم از سال ۱۳۸۸ پس از بازنشستگی، در حوزه علمیه قم به تدریس فقه و تفسیر پرداخت. وی خاطرات خود را با عنوان «گذر عمر» تدوین کرده است. بخشی از این خاطرات به تحصیلات او در حوزه ارومیه و قم و حضور در شهرستان خدابنده و دفاع مقدس و مراسم حج خونین سال ۱۳۷۵ در مکه اختصاص دارد.

۱. گذر عمر، مختصری از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین حاج عباسعلی مقدم، نسخه دستنویس، کتابخانه شخصی نگارنده سطور، ص ۱۶

۱۴ فروردین همان سال در هفتاد و دو سالگی در شهر بن درگذشت. مزار او در مقبرة العلماء باغ بهشت قم است. سنگ نوشته مزار او بدین شرح است:

«العلماء باقون مابقی الدهر؛ مدفن حضرت آیت الله حاج شیخ احمد دانش زنجانی فرزند شیخ موسی، عمر خود را در ترویج دین اسلام و تربیت طلاب سپری نمود. ۱۵ شعبان ۱۴۰۸ - ۱۳۶۷»

از آثار به جامانده ایشان:

- لقمان از دیدگاه قرآن و احادیث

این اثر چنان که از نامش پیداست درباره حضرت لقمان (علیه السلام) است؛ شخصیتی که در قرآن کریم با «حکمت»، «عقل»، «عمل» و «موعظه» وصف شده است. در این اثر به معرفی شخصیت حضرت لقمان بر اساس آیات قرآنی و تفاسیری مانند تفسیر بیضاوی، کشاف، تفسیر قمی، مجمع البیان، درالمنثور، کافی و ... پرداخته است. ویژگی‌ها و فضیلت‌های اخلاقی، حکمت، نبوت، وصیته‌ها، از فصول این کتاب است. این اثر مجموعه درس اخلاق مولف در حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) شهر قیدار است و به قلم نسخ تحریری مرحوم شیخ علی طهماسبی - از شاگردان مولف - در تاریخ شانزدهم بهمن ۱۳۷۰ ش برابر اول شعبان ۱۴۱۲ قلمی شده است.

آغاز: «أحمدک یا من یرفع الیه عمل الصالح و أصلی علی نبیک محمد و آله الطیبین ... قال الله تعالی فی کتابه الکریم ...»

انجام: «حکمت در عرف علما ... و اکتساب الملكة علی الأفعال الفاضله علی قدر طاقتها..»

- مسند هشام بن حکم

راوی جلیل القدر و مدافع حریم امامت هشام بن حکم از یاران حضرت امام جعفر صادق و حضرت موسی بن جعفر (علیهم السلام) است و در این اثر زندگی و احادیث و جایگاه او تبیین شده است.

مؤلف برای نگارش این اثر دهها منبع اصل حدیث شیعه مانند کافی، استبصار، احتجاج، کمال الدین، توحید صدوق را بررسی کرده و احادیث روایت شده از هشام بن حکم را در این مجموعه فراهم کرده است.

وی همچنین نظریه علمای رجال و دانشمندان بزرگی چون شیخ مفید و تحقیق در روایاتی که در قدح این شاگرد مکتب امام صادق (علیه السلام) آمده از جهت سند و وثاقت راوی کنکاش و از جایگاه هشام بن حکم دفاع کرده است. ادامه کتاب مناظرات و احادیث مروی هشام بن حکم است.

کتاب یاد شده ۸۶ برگ رحلی به خط مؤلف است که در تاریخ اول شعبان ۱۴۱۲ به پایان رسیده است.

آغاز: «بسمله، هشام بن الحکم الکندی مولا هم البغدادی یکنی أبامحمد و أبالحکم...»
انجام: «... فلو کنت مصنوعا کیف کنت تکون؟ فلم یحر ابن أبی العوجا و قام و خرج»

سنجه (۱۰۳) فهرست خودنوشت مرحوم سید ابوالفضل حسینی

عالم پرتلاش و وارسته حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالفضل حسینی تبریزی از نویسندگان ناشناخته روزگار ماست؛ اهل تحقیق نام وی را به چند کتاب تلخیص الریاض السالکین و کفایة الموحّدين و قاموس الصحیفة می‌شناسند. ایشان در کتاب آئین رستگاری یا آئین سعادت جاودانی (ترجمه «مرآة الرشاد» علامه شیخ عبد الله المامقانی) زندگینامه خود نوشتی را به سال ۱۳۳۳ش/۱۳۷۳ق نگاشته که گزیده آن چنین است: در ۱۳۳۵ق برابر ۱۲۹۵ش در تبریز متولد شده است. پدر وی میرمصطفی از بازاریان این شهر بود. در ۱۳۴۸ق به علت ورشکستگی پدر خانواده او به شهر سراب کوچیده و در این شهر ماندگار می شوند. استاد حسینی سالها در سراب از محضر میرزا حسین محدّث سرابی درس آموخت. در سال ۱۳۵۸ق به قم کوچید و به مدّت سیزده سال در محضر حضرات آیات: سید حسین بروجردی، سید محمد حجت کوهکمری و سید کاظم شریعتمداری به تحصیل پرداخت. این روحانی پر تلاش در ۱۳۷۱ق به تهران کوچید و در مسجد منشور السلطان (واقع در خیابان سپه تهران)



به اقامه نماز و وعظ و ارشاد پرداخت.^۱ این عالم بزرگوار و نویسنده پرتلاش در شصت و چهار سالگی در ۲۴ آبانماه ۱۳۵۹ ش در تهران درگذشت. پیکر وی پس از انتقال به شهر قم در قبرستان حاج شیخ به شماره ۲۴۷۵۲ به خاک سپرده شد. نوشته سنگ مزار او چنین است:

«آرامگاه شادروان جنّت مکان حجت الاسلام و المسلمین حسید ابوالفضل حسینی
میرسیدیان، تاریخ فوت ۲۴ آبانماه ۱۳۵۹»
آثار او عبارتند از:

- کفایة الواعظین و هداية القارئین؛ در بردارنده دویست مجلس در مواعظ و اخلاق در هفت جلد (تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ق تا ۱۳۹۰ق)

- الف حدیث و حدیث یا هزار و یک حدیث در چهار جزء (تهران؛ چاپخانه مصطفوی، ۱۳۷۹ق)

- مناظرات آية الله شیرازی در مکه و مدینه؛ ترجمه الاحتجاجات العشرة آیت الله سید عبدالله مصطفوی (تهران، کتابفروشی بوذرجمهری و مصطفوی، ۱۳۸۵ق)

- ترجمه مسائل الدعاء اثر میرزا محمود شیخ الاسلام طباطبایی تبریزی (تهران، کتابفروشی بوذرجمهری و مصطفوی، ۱۳۶۸ق، ۱۳۲۸ش) با مقدمه سید ناصرالدین آرام.

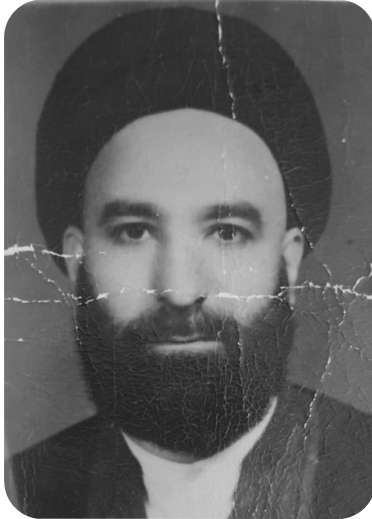
- الجوهر العزیزة در شرح دعای ابی حمزه ثمالی (قم، ۱۳۷۹ق، ۱۳۳۹ش)

- آئین رستگاری یا آئین سعادت جاودانی؛ ترجمه «مرآة الرشاد» علامه شیخ عبد الله مامقانی (تهران، ۱۳۳۳ ش)، این اثر مزین به تقریظ آیت الله شریعتمداری و مقدمه ای مبسوط در شرح حال علامه مامقانی به قلم شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی است. نویسنده در پایان زندگی نامه خود را نگاشته است.

- اربعین؛ چهل حدیث (قم، ۱۳۷۱ق)

- قاموس الصحیفة للإمام زین العابدین (علیه السلام)؛ فرهنگ واژگان کتاب صحیفة سجّادیه که در سال ۱۳۹۸ق-۱۳۵۸ش تالیف شده است.

۱. زندگی نامه او در این منابع آمده است: آثار الحجّة یا اولین دائرة المعارف حوزه علمیّه قم: ۲۴۰، مؤلفین کتب چاپی، ج ۱. ۲۰۰-۲۰، موسوعة مؤلّفی الإمامیّة، ج ۱ ص ۵۲۸



- آیا این است اسلام واقعی؟ (تهران، فخر، ۱۳۵۲ش) این کتاب در پاسخ به کتاب «اسلام واقعی را دریابید»، (تاریخ چاپ ۱۳۵۰) اثر شیخ علی اصغر محی الدین بنابی نوشته شده است. وی با عناوین (مؤلف:) و (بررسی:) اندیشه‌های وهابی محی الدین بنابی را پاسخ گفته است.

- تلخیص الرياض او تحفه الطالبین: المقتطف من رياض السالکين في شرح صحيفه سيد الساجدين؛ تلخیص رياض السالکين شرح صحيفه سجّاديه سيد عليخان مدنی شیرازی. در سه جلد (تهران مطبعه حیدری ۱۳۸۱ق/۱۳۴۰ش)

- توضیح العروة الوثقى و تتميم ما ليس فيها المشتملة على تمام كتب الفقه من مسائل اجتهاد (قم، مطبعه حیدری، ۱۳۴۳ش/۱۳۸۵ق)

- جنگ و انسانیت؛ مجموعه داستانهای فارسی (تهران) نامه‌ای به قلم ایشان در اختیار نگارنده است که در آن فهرستی از آثار خود را برشمرده است، متن این نامه که مخاطب آن ناشناخته است، بدین شرح است:

بسمه تعالی

۲۳ صفر ۱۳۹۶

پس از ابلاغ سلام مخلصانه به عرض میرساند محترم رقعہ شریفه که مورّخه ۱۹ شهر جاری بود دیروز واصل و زیارت گردید، از سلامتی و موفقیت حضرتعالی خوشوقت گردیدم. راجع به کتابهایی که به قلم ناچیز تألیف یافته، اظهار علاقه و محبت فرموده بودید، کمال تشکر حاصل است، کتابهایی که اینجانب تألیف نموده‌ام:

هفت جلد «کفاية الواعظین» که ظاهراً همه‌اش را تهیه فرموده‌اید و سه جلد هم «تلخیص



الرياض» که گلچین از کتاب شریف ریاض السالکین فی شرح صحیفة زین العابدین (علیه السلام) است، مدّتی است تالیف یافته، اگر تمام نشده باشد در قم کتابفروشی مصطفوی دارد و به قدر کفایة الواعظین و بلکه بیشتر مطلب دارد، که با مراجعه به فهرست تا اندازه‌ای روشن می‌شود و البتّه این کتاب عربی است. کتابی هم اخیراً تالیف شده رساله «آیا این است اسلام واقعی؟» که در پاسخ به مطالب بعضی از علما نوشته شده، شاید مطالعه‌اش یک ساعت بیشتر طول نکشد ولی ممکن است بعضی مطالب آموزنده پیدا شود که وجودش به از عدم اوست، مدّتی است چاپ شده است شاید در کتابفروشیهای قم پیدا شود و کتابی دیگری هم که اشاره فرموده بودید «معجم الصحیفة او ریحانة الأديب فی شرح ما فی الصحیفة من الغریب» که حدود سه سال بلکه بیشتر در تالیف آن زحمت کشیده‌ام و هنوز به چاپ نرسیده است و البتّه در اثناء، بیماری خیلی سختی عارض شد که محتاج به مسافرت خارج و حالا هم دوا میخورم، ولی الحمد لله نسبتاً خیلی بهترم، باعث شد که تالیف و چاپ «ألف حدیث و حدیث» به تاخیر بیفتد. کم کم مشغولم امید است که ان شاء الله خداوند توفیق عنایت فرماید هر دو چاپ و منتشر شود و بعضی نوشتجات مطبوع دیگری دارم که از تذکّر آن خودداری می‌شود و این که قبلاً کاغذ برای بنده مرقوم فرموده‌اید به اینجانب نرسیده است. در خاتمه توفیق شما را از خدای متعال خواهانم، إن شاء الله از دعای خیر فراموش نفرمایید.

ابوالفضل حسینی .

سینه کتاب

سنجده کتاب (۹)





سنجه (۱۰۴) کتاب «سرگذشت و خاطرات» مرحوم ملا مسیب غفاری

مرحوم مغفور شیخ مسیب غفاری از علمای نام‌آشنای منطقه خدابنده زنجان است. وی فرزند کربلایی محمدرضا و متولد روستای آبی سفلی - از توابع شهرستان خدابنده - است. تحصیلات مکتب‌خانه‌ای را در زادگاهش آموخت، درس‌های دیگر را در محضر شیخ نجفعلی رضوانی قره‌قوشی در روستای سهرورد (قره‌قوش) ادامه داد. برای تکمیل دروس به حوزه هیدج و قزوین و قم کوچید. وی از شاگردان آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری بشمار می‌رفت. مرحوم غفاری در سال ۱۳۴۱ ش در آزمون سردفترداری در تهران پذیرفته شد از آن تاریخ در روستای کرسف - که اکنون شهر بزرگی شده است - اقامت گزید و تا پایان زندگی در آنجا ماند. وی که زندگانی خود را در سردفترداری ازدواج و تبلیغ و ارشاد و ترویج اخلاق و آداب اسلامی و اقامه نماز و تدریس مکتب‌خانه‌ای سپری ساخت، سهم بزرگی در تربیت دینی و اخلاقی مردم منطقه داشته و در انتقال فرهنگ و آداب اسلامی نقش بسزایی ایفا نمود. این عالم خدوم در دوم آذرماه ۱۳۸۲ در شهر قیدار درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

وی زندگی‌نامه خود را در کتابی با عنوان «سرگذشت و خاطرات» نوشته است. این اثر به خط نسخ تحریری، در ۷۳ ص تحریر شده و تاریخ اتمام آن ۱۳۶۲ ش است. وی در این کتاب زندگی‌نامه خود را از ۱۵ سالگی تا ۶۵ سالگی قلم زده است.

سرفصل مطالب این زندگی‌نامه عبارت‌اند از: ولادت و تحصیلات، اعزام به نظام وظیفه، مکتب‌داری و تدریس قرآن و ادبیات فارسی و عربی، ادامه تحصیلات در حوزه هیدج و قزوین و قم، امتحان سردفتری در تهران و قبول شدن، نمونه اشعار از خود و دیگران.

یادآور می‌شود اصل این مجموعه در نزد خانواده آن مرحوم در شهر قیدار خدابنده نگهداری می‌شود.^۱

۱. از بزرگواری دوست فاضل و ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین شیخ معرفت‌الله زارعیان (دام توفیقاته) برای در اختیار نهادن تصویری از این اثر سپاسگزارم.

نمونه شعر مرحوم غفّاری:

از پریشانی به دل دارم هزاران التهاب
اشک خون جاری کنم پیوسته مانند سحاب
یوسف گم گشته کنعان وارنالم روز و شب
که نقد جان بیازم یا بگردم کامیاب
نیست مرعشاق را جز ناله و آه و فغان
عاشق آشفته را آنی نباید خورد و خواب
آه و صد افسوس از لاقیدی اسلامیان
مرغ بسمل وار شرع احمدی در اضطراب
معنویت از میان مردمان معدوم شد
عاطل و بی بهره‌اند از چاره و خیر و صواب
معنی انّ الذین آمنو را مدّعی
و ز کلوا ممّا حلالاً طیّیا در اجتناب
برق کفران ضلالت هر کجا گویی پیاست
ای دریغا گر ببیند حضرت ختمی مآب
وقت لایقی من الاسلام الا اسمه
می نباید گفت ای دل اینّه شیء عجاب
داده از وضع زمان یومنا هذا خیر
آن امین وحی داور حامل ام الکتاب
صاحب العصرای بقربانت نقاب از رخ برآر
تا به کی داری به زیر ابر پنهان آفتاب



تا به کی باشی زجوز اشقیاء صحرا نورد
تا به کی شمشیر را مخفی بداری در قراب
بار الهی عزّت اسلامیان را افزون نما
می کند آمین گفتن هر دعا را مستجاب
ای «مسیب» زآستان ایزدی توفیق خواه
تا نباشی منحرف از جاده صدق و صواب
بار الهی اعتمادم جز به الطاف تو نیست
روسیاهم عفو کن در موقف یوم الحساب

سنجه (۱۰۵) نوشتاری از آیت الله العظمی مرعشی نجفی درباره خواجه

نصیرالدین طوسی و خاندان وی

این رساله در پنج برگ به خط مبارک آیت الله العظمی مرعشی نجفی و به درخواست مرحوم آیت الله آقا سید رضا صدر نوشته شده است. این رساله در بردارنده زندگی نامه علمی چند تن از نوادگان شیخ طوسی است و تاکنون به چاپ نرسیده است. تاریخ تحریر ثبت نشده، ولی از متن برمی آید آن را پس از سال ۱۳۵۰ ق (پس از تالیف رساله «مدفونین در اصفهان») نوشته است. اصل دستنویس این رساله در بیت آیت الله سید رضا صدر نگهداری می شود. تصویری از آن در کتابخانه موسسه کتاب‌شناسی شیعه به شماره ۱۴۸۷ ثبت شده است.

متن رساله آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سرّه):

بسمه تعالی؛ امور مذکوره در این اوراق راجع است به محقق طوسی حسب الإقتضاء نورچشم مکرم، سلیل الشرفاء الکرام، مصباح الظلام، ذخر الأفاضل الأعلام، فخر المحصلین العظام، آقای آقا رضا نجل حجة الإسلام سیدنا الصدر المله و الدین دامت برکاتهما قلمی شد.

مجله تحقیقات

فصلنامه تخصصی کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی
سال بیست و هفتم | شماره ۱۰۰-۱۰۶
پاییز و زمستان ۱۴۰۰



اولاد المحقق

از جمله پسرهای محقق شیخ بزرگوار اصیل الدین که در سنه ۷۱۵ وفات نموده متولی و ناظر اوقاف و رصدخانه بوده از طرف مغول و در نهایت تقریب بالنسبه به ایشان بوده، ابن حجر او را ذکر و تمجید نموده در الدرر الکامنه خود.^۱

از جمله احفاد و ذراری محقق شیخ بزرگوار میرزا عبدالحسین النصیری الطوسی که در زمان صفویّه بوده، کتاب کشف الآیاتی دارد، بسیار خوش ترتیب و طبع نشده، نزد حقیر شهاب الدین الحسینی النجفی به خط تلمیذ ایشان موجود است. و فارغ شده از تالیف آن سنه ۱۰۶۸ و مرتب نموده آن را در ۲۸ کتاب و یک مقدمه و ایشان از معاصرین مجلسی اول بوده‌اند، مکاتباتی هم بین اینها بوده از جمله رساله ای دارد میرزای مذکور در عده زن حامل و در او متصدی رد بر مجلسی است و تعلّم در خدمت شیخ بهائی نموده [است].

از جمله احفاد مرحوم محقق طوسی شیخ جلیل میرزا عبدالمتّان الطوسی النصیری الأبوجعفری ایشان ابا از اولاد محقق طوسی بوده و اماً از اولاد شیخ الطائفة، لذا در إمضاءات خودشان «النصیری الطوسی الأبوجعفری» می نویسند. در اصفهان ریاست علمیّه و شرعیّه داشته تا در سنه ۱۲۱۹ وفات نموده، قبرش در تخت فولاد قریب قبر بابا رکن الدین است. حقیر اوراقی را که مزین بوده به مهر ایشان در اصفهان دیدم؛ خط بسیار خوبی داشته و به زیارت قبرش رفته‌ام در سنه ۱۳۵۰ و در جزء علمای مدفونین در اصفهان نوشته‌ام.^۲ عجب از آخوند گزی قدس سرّه می باشد که قبر این شیخ عظیم الشان را در عداد مدفونین در تخت فولاد ذکر نموده [است].

۱. اصیل بن الشیخ نصیر الدین محمد بن محمد الطوسی: کان کبیر القدر عند المغل و ولی نظر الاوقاف و الرصد و مات فی صفر سنة ۷۱۵ (الدرر الکامنة فی أعیان المائة الثامنة، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ق) ج ۱ ص ۳۹۰) (بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۴ ق)

۲. آیت الله مرعشی در رساله «مدفونین در اصفهان» نوشته است: «مرحوم عبدالمتّان ابوجعفری طوسی که از علماء و زهاد بوده و تعلیقہ ای نفیس بر تهذیب جدّ بزرگوار خود شیخ الطائفة نوشته و در سنه ۱۲۱۹ قمری فوت شده، قبرش در کنار جاده واقع در وسط تخت فولاد می باشد» نک: موسوعة العلامة المرعشی، ج ۲، ص ۲۱۹

از جمله احفاد آجلاء مرحوم محقق طوسی، مرحوم علامه دهر نابغه زمان خود در فنون مختلفه، جناب میرزا علی بهشتی، ساکن طهران و اصلاً مشهدی بوده، حقیر از حضور ایشان در فنون بسیار استفاده نموده و از مشایخ روایت حقیر هم هستند و ایشان از مرحوم ثقة الاسلام نوری روایت می نمایند، تالیفات بسیار دارند از جمله شرحی بر نهج البلاغه در کمال اختصار و ردی بر صوفیه و رساله در إبطال وحدت وجود، و رساله در وجوب صلاة جمعه عیناً و سفرنامه حج و سفرنامه هندوستان و غیرها. وفات ایشان در سنه ۱۳۴۹، قبرشان در ابن بابویه طهران و بهشتی تخلص ایشان است در شعر.

اصهار المحقق الطوسی

- السيد جلال الدين بن محمد بن حمزه بن زهرة الحسيني الصادقي الحلبي، تزوج بنت المحقق الطوسي، ثم بعد مدة امرهما الى الإفتراق و كان جلال الدين من أكابر علماء النسب و الرواية و قد ذكرت ترجمته في كتابي طبقات النسائين في أعيان المائة السابعة فراجع و كان حياً الى سنة ۶۹۹ و كانت زوجة هذا السيد بنت محقق الطوسي مسماة فاطمة معروفة بدرة الصدف و كان من الفاضلات الشهيرات في عصرها و لها ديوان شعر تتخلص في الشعر بالدرة.

- السيد عز الدين محمد بن تاج الدين الحلبي الحسيني الخراساني، كان من علماء عصره و كتابه، توفي سنة ۶۸۰ و له شعر رائق و كانت إحدى بنات المحقق الطوسي تحته اسمها فاطمة المعروفة بسرة الوزراء.

- السيد كمال الدين أحمد المعروف بأبي صادق الحسيني المرعشي، العلامة المحدث المفسر العارف و هو والد العلامة السيد قوام الشهير بمير بزرگ مؤسس السلطنة المرعشيه في شمال إيران، توفي السيد كمال الدين سنة ۷۵۰ و زوجته فاطمه شرف النساء العالمة الفاضلة.

میرزا تقی

فصلنامه تخصصی کتابخانه‌شناسی
سال بیست و هفتم | شماره ۱۰ | ۱۴۰۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰



اعمال المحقق الطوسي

السيد جلال الدين بن محمد بن حمزة بن زهير الحسيني الصادق الحلي تزوج بنت
المحقق الطوسي بعد مدة ال امر حال الافراق وكان جلال الدين من اكابر علماء النجف
والرواية وقد ذكرت ترجمته في كتاب طبقات النسابين في اعيان علماء النجف
فواجع كان حيا الى سنة ٦٩٩ وكانت زوجة محمد بن محمد بن محقق الطوسي
سماة فاطمة حروف بدره الصفدي وكان من الفاضلات الشهيرات في
عصرها ولها ديوان شعر تخلص في شعر والده

السيد عز الدين محمد بن تاج الدين الحلي الحسيني الخراساني
كان من علماء عصره وكتابا توفي سنة ٦٨٠ وله شعر رائق
وكانت احد بنات المحقق الطوسي اسمها فاطمة
المعروفة بستة الوزاري

السيد كمال الدين احمد المعروف بابي صادق الحسيني مرعشي
العلامة احمد بن محمد بن العارف وهو والد العلامة السيد قوام الشهير
بمير بزرگ مؤسس السلطنة المرعشيه في شمال ايران
توفي السيد كمال الدين سنة ٧٥٠ وزوجته فاطمة عارف

دست خط آيت الله العظمى مرعشي نجفی درباره خواجه نصيرالدين طوسی و خاندان وی





سنجه (۱۰۶) وصیة أحقر الحقار و بیان بعض الأسرار

این اثر نویافته از عالم فاضل شیخ محمد حسن بن اسد الله رشتی حائری^۱ است. وی متولد ۱۳۱۲ ق است و این اثر را در ۱۳۵۷ ق در چهل و پنج سالگی نوشته خطاب به فرزندان خود نوشته است. وی در دوازده سالگی با خانواده به کربلا کوچیده و تا بیست و شش سالگی، یعنی سال ۱۳۲۸، در این شهر به تحصیل و تدریس علوم حوزوی پرداخته است. چنان که در این رساله نوشته؛ در ادبیات عرب و فقه و اصول و تجوید و حساب و هیأت و کلام و طب ید طولائی داشته و در حوزه کربلا تدریس داشته است. وی پس از این تاریخ به نجف اشرف بازگشت و تا پایان زندگی (۲۱ شعبان ۱۲۸۷ ق) در نجف به تدریس و اقامه نماز جماعت در مسجد کوفه پرداخت. مزار او آرامگاه حاج حسین بهبهانی در خیابان امام علی علیه السلام در نجف است. استاد آل طعمه در زندگی نامه او ذکر کرده که نزدیک به صد کتاب داشته است. در این رساله حکایاتی از دوستان ایام تحصیل خود مانند حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید ابوالقاسم مازندرانی، میرزا جعفر نخجوانی، و سید عبدالرحمن حائری، سید اسماعیل سمنائی آورده است.

حائری رشتی در این کتاب بر این نظر است که دستاورد تقوای کامل و خداپرستی رسیدن به خیر در آخرت و بصیرت و کرامات و مکاشفات در دنیا است به شرط کتمان آن: «لازمه تقوای کامل و خداپرستی حصول خیر دنیا و آخرت است. نشانه این معنی آن است که شخص متقی، چشمی بصیر در امور و قلبی بیدار و هوشیار در هر کار خواهد داشت و کثیری از اسرار دنیویّه و مطالب اخرویّه بر او منکشف خواهد گردید مادامی که تقوا را از دست ندهد و لقمه حرام واقعی نخورد و کتمان حال خود از همه کس کند و آنچه از اسرار و غرائب ببیند، به کسی نگوید...»

نویسنده در این رساله مکاشفاتی از خود به علت رعایت مسائل اخلاقی بیان کرده است: «... در بیداری رایاً بالعين شیطان را با شکل و قد و بشّاش و فوّخ دل و چست و چابک، چیزی

۱ زندگی نامه ایشان را استاد سید سلمان هادی آل طعمه در معجم رجال الفكر الادب في کربلا، ص ۱۹۳ و علماء کربلا في الف عام، ج ۱، ۳۴۱-۳۴۲ نوشته است.

در دهن میخایید. حقیر از ره تعجب گفتم: «چه در دهان داری؟ و می‌خایی؟» گفت: «دل بندگان خداست»... از این جهت مه‌ما امکن از مجالست با مردمان در کناره و گریزان بوده، با احدی مأنوس و مألوف نگشته و از تسفّه و تنزه در حذر می‌بودم و انس حقیر در توحّد و و انزوا و تفکّر در آثار وجود و اقدس حضرت معبود جلّ جلاله و تصنیف بعضی علوم و انشاد اشعار علمیّه و کلمات و خطب ادعیه و امثال ذالک بود... در نظرم دنیا لاشیء می نمود، اتّکال به چیزی و احدی جز خالق مّنان نداشته...

- آغاز: «بسمله، ای فرزندان گرامی وصیت می‌کنم شما را به خداپرستی به تمام صدق و راستی و تقوای کامل از هر حرام و مشتبّه به حرام و ترک اتباع هوای نفس و آمال دنیویّه و مردم آزاریو دروغ و بیوفایی و التزام به صدق و صفا و رحم و حیا در هر حال و حین. دنیا را باکسی وفایی نیست و مرگ امری حتمی است...»

انجام: «... این جمله مطالب مسطوره بعضی از احوال و افعال حقیر است که به صورت اجمال بیان گردید. در خانه اگرکس است، یک حرف بس است. و السلام علی من اتّبع الهدی»

اصل این رساله که در کتابخانه مرحوم حاج شیخ حسن عرفان، از اساتید و سخنوران نامی حوزه علمیّه قم موجود است، به خط نسخ مولف در ۱۲ برگ کتابت شده است.



۱. آثار الحجّة یا اولین دائرة المعارف حوزه علمیه قم، محمد شریف رازی، قم، کتابفروشی برقی، ۱۳۳۲.
۲. آفاق نور، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۱۰.
۳. ایضاح الفتوی فی شرح عروة الوثقی، تصحیح صادق مرادی، قم، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۳۳.
۴. خبرگان ملّت؛ شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۲۷۷-۲۷۸.
۵. تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد، نشر سامی، ۱۳۸۸.
۶. الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۴ ق.
۷. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان، قم، نشر زائر؛ ۱۳۸۲ ش، ج ۱۳.
۸. شیرخداي آذربایجان، اسد الله داستانی بنیسی، قم، انتشارات علامه بنیسی، ۱۳۷۵.
۹. علماء كربلا في الف عام، قم، مجمع ذخائر الاسلامیه، ۱۴۳۶ ق.
۱۰. علماء و دانشمندان کاشان، حسن سپهری، تهران نشر سوره تماشاء، ۱۳۹۱.
۱۱. فرزندگان علم و سخن قزوین، رضا صمدیها، قزوین، انتشارات بحر العلوم، ۱۳۷۹.
۱۲. فهرست کتب خطی اصفهان (دو هزار نسخه فارسی و عربی)، سید محمد علی روضاتی، اصفهان، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۸۶، ج ۱.
۱۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا. ج ۹.



۱۴. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۷۷ ش-۱۳۹۸ ش.
۱۵. گذر عمر، مختصری از خاطرات حجت الاسلام و المسلمین حاج عباسعلی مقدم، نسخه دستنویس، کتابخانه شخصی نگارنده.
۱۶. معجم رجال الفكر الادب في كربلا، سید سلمان هادی آل طعمه، بیروت، دارالرسول الأکرم، دار المحجّة البيضاء، ۱۴۲۰.
۱۷. موسوعة العلامة المرعشی، قم، مکتبه آية الله العظمی سید شهاب الدین المرعشی النجفی، ۱۳۸۹.
۱۸. موسوعة مؤلّفی الإمامیّة، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۳۹۸، ج اول، چاپ دوم.
۱۹. مؤلفین کتب چاپی، خانابا مشار، تهران، بی نا، ۱۳۴۰، ج اول.
۲۰. میراث حوزه اصفهان، دفتر سوم و دهم، به اهتمام محمدجواد نورمحمدی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۹۲.
۲۱. میراث شهاب، سال بیست و ششم، ش ۱۰۰، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۶۱-۱۹۲ و ش ۱۰۱-۱۰۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹،



